





















## شخصیت جامع ناصر خسرو

<b>دکتر احمد کتایی</b>	<b>بخش پنجم و پایانی</b>
<span></span>	



ناصر خسرو ضمن قصیده‌ای به مذهب کسانسی می‌پردازد که به‌جمله‌ها درصدد طعن و وهن بیرون سایر ادیان الهی‌اندا:

بنگوهی جهود و ترسا را / تو چه داری بر این دو تن تفهیل؟
چسون ندانی که فضل قرآن چیستند پس چه فرقان تو را و چه انجیل؟

(همان ص، ۱۲۴، قصیدهٔ ۵۵)

**جهود** را چسه نکوهی؟ که تو به سوی جهود، بسی نغایه‌نوری زانکه سوی توست جهود (همان ص ۳۳، قصیدهٔ ۱۵)
در جایی دیگر نیز از تفاخر ناموجه بعضی افراد بر پیروان حضرت مسیح<sup>ص</sup> سخت انتقاد می‌کند:

فصل تو چیست بنگر بر ترسا؟/ از سر هوس برون کن و سودا را تو مؤمنسی گرفته محمد را /او کارگست گرفته مسیح را

ایشان پیرمان و رفیقانند / چون دشمنی تو بیهده ترسا را؟

(همان ص،۱۶۸، قصیدهٔ ۷۷)

و نیز در جایی مضانه بر این واقعیت تأکید می‌کند که هر قوم و امّتی شیفتهٔ باورها، ارزش‌ها و سنت‌های خویش است و خود را محق و دلایل خود را قوی و معتبر می‌داند بدون اینکه برای اقوام و پیروان سایر کیش‌ها هم، چنین امتیازی قائل باشد:

گر زیّ تو قور ترسا مجهول / «خرمهره سُفتن» متصف و از است، معروف نیست قیول تو

زی ترسا او بر دوشنبه<sup>۲</sup> و تو بر آردینه<sup>۳</sup> تو لیل و قدر<sup>۴</sup> داری و او «بلده»

(همان ص، ۲۱۱، قصیدهٔ ۹۷)

ملخص کلام: ناصر خسرو نه تنها برای تحمل اندیشه‌های مختلف و معارض، کم و بیش آمادگی دارد، که علای اصول‌اehl مسالمت و ملامت و مشوق خوشخویی، برداری، خطابوئی و گنه‌بخشی است:

گذر از تسدی و از تذخویی / تواضع گیر و تارودویی
تو با خلق خداح خورش و باش خوش گوی/ که خون از پرورش شد مُشک خوشبو

... گسره با هر کسی مفکن بر ابرو/

چه بدتر باشد از طبع ترش‌رو؟ / فرو خور خشم لذر کهر گوی/ ز مؤمن خبوش بود چربی و نرمی

حلیمی کن چو دانا در گه تنگ / گرت بر سر بگردد آسیاستگ (مسندنامه، ص۵۷)

و نیز:
گنه‌بخشبا و غفالدوز می‌باش / می‌باش خوشخویی چو روشن روز
مله بر عیب کس نادیده اقرار / و به خوشخویی چو روشن روز

و نیز:
بوشان بهتر ای یار / (روشنایان، ص۵۱)

**ها) استبدادستیزی و تنفر از مدیحه‌سرایی**

ناصر خسرو گرچه چند زمانی به دربار پادشاهان رو آورد

و به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

با مرارت از تجربهٔ ناموفق و تلخی که در این خصوص کرده است و نیزس از تجربهٔ بعدی‌اش روی آوردن به روحانیان به شرح زیر یاد می‌کند:

زمنی بود دربار پادشاهان رو آورد / به آنجا صاحب مقامات و مناصب مهمی گردید، ولی زود دریافت که تقوّب به سلاطین

با طبع بلند و آزاده او سازگار نیست. وی در یکی از تصاوید:

**اشاره:** در بخش نخست تا حدودی با زمینه‌های تشکیل رشته فلسفهٔ علم در ایران آشنا شدیم و انتظاری که استاد گلشنی در مقام یک دانشمند بیناگذار داشتند و برخی گرایش‌ها در کاستی‌های مختلف، اینک ادامه گفتگو:

**سال ۱۳۹۶ همایشی با مدیریت شما برگزار شد که در نوع خود بی‌نظیر بود. چرا در دوران مدیریت شما در گروه فلسفه علم مشابه آن نداشتیم؟**

دیگر آن حمایت‌ها نیست. البته پارسال با سازمان هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران همایشی مشترک در مورد «علم و دین و صلح، برگزار کردیم. انصافاً آنها کمال همت داشتند و مخرج را تقبل کردند. البته اسم دانشگاه صنعتی شریف هم به‌عنوان شریک آمده بود، ولی مشارکت دانشگاه فقط در حد دادن یک ناهار و شام و اقامت یک‌شنبه در خوابگاه دانشگاه بود. هیچ کمک دیگری نکردند! همین‌طور همایشی مشترک با دانشگاه صنعتی اصفهان درباره «علم و دین» داشتیم. در این مورد نیز مشارکت مخرج را دانشگاه صنعتی اصفهان تقبل کرد. دانشگاه شریف حتی یک ریان هزینه نکرده!

**ممکن است این یک تصمیم ارادی برای متوقف‌کردن فعالیت‌های گروه فلسفه علم باشد؟**

من که در باطن قضیه، این را می‌بینم؛ اما روشنان نمی‌شود. البته یک امکان هم هست که بخواهند مدیریت گروه را عوض کنند. اینها می‌توانستند باقیات‌الصالحاتی برای خودشان بگذارند که نتیجه‌اش برای همیشه عایدشان شود. این تنگ‌نظری است و من واقعاً دلشلیش را نمی‌دانم، اما نتیجه کارشان عاید غرب می‌شود. بنده چند سال قبل از انقلاب در این دانشگاه بودم و اصلاً این تنگ‌نظری‌ها حاکم نبود و این برای جمهوری اسلامی زبینه‌ده نیست. حالا باید به مراتب امکانات در این زمینه‌ها بیشتر باشد. بیايند تا من نشانشان بدهم که در رسانه‌های خارجی و کتاب‌های خارجی، اسم این گروه ذکر شده و به آن ارجاع داده شده‌است؛ ولی وقتی این چیزها اصلاً برایشان اهمیت ندارد و فقط کارهایی اهمیت دارد که خودشان می‌خواهند بکنند، دیگر بهتر از این نمی‌شود! برخورد با ما مشفقانه نیست. اگر مشفقانه می‌بود، نتیجه خیلی فرق می‌کرد.

**آیا تلاش برای تاسیس هیئت خیریه بزرگ علم دستاوردهایی برای جوامع علمی داشته است؟**

بله، بر اثر همین دستاوردها بوده که الان بعضی از دانشگاه‌های مهم غرب نیاز به فلسفه را در بخش‌های علمی‌شان درک کرده‌اند. در سالهای اخیر دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج یک گروه مشترک فیزیک، ریاضی، فلسفه و غیره تشکیل داده‌اند و رزمیهٔ آن مسائل فلسفی که در کیهان‌شناسی و نظریه کوانتوم و... مطرح است، کار می‌کنند. مسئولان بروند و کارگاه‌ها و کنفرانس‌های بسیار زیادی را که در این دو دانشگاه برگزار شده است، ببینند. آکسفورد و کمبریج در تمام ارزیابی‌هایی که شده، از مهمترین دانشگاه‌های دنیا هستند. دانشگاه ما که محترم از آنها نیست!

مسئولان ما می‌گویند: «اینجا یک دانشگاه مهندسی است.» ام‌ای‌تی هم یک دانشگاه مهندسی است؛ چرا آن دانشگاه این کارها را می‌کند، ولی ما نمی‌کنیم؟ آیا تمام مسائل کشور با مهندسی حل می‌شود؟ در حال حاضر در غالب ارگان‌های کشور مهندسان حاکم هستند. اکثر وزرا و رؤسای دانشگاه‌های کشور مهندس هستند. پس چرا ما این‌قدر به خارج نیاز داریم؟ برای اینکه «فرهنگ» مسئله آنها نبوده، نیاز اساسی به خارج و وابسته‌نبودن ما به چیز، مسئله اصلی آنها نبوده است؛ و گرنه ما این‌قدر وابسته به خارج نبودیم. الان بیشتر کالاهای خارج وارد می‌شود؛ در حالی که غالب اینها می‌توانست داخل تولید شود؛ چقدر این دوستان در رفع نیازهای کشور همت کرده‌اند؟

**نظر شما در مورد نحوه پذیرش دانشجوی چیست؟**

در اوایل دوره‌های تأسیس رشته فلسفه علم، وزارت علوم اجازه می‌داد خود دانشگاه مستقیماً دانشجو بگیرد و من آن دوره را بسیار موفق می‌دانم. آن موقع دانشگاه با

**می‌توانیم بگوییم یک تلقی غلطی از مدیریت در جامعه ما وجود دارد که باعث می‌شود مثلاً گروه فلسفه علم را در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، زیرمجموعه گروه مدیریت می‌گذارند.**

بله، شکی نیست که تلقی غلطی رایج است. بر دانشگاه‌ها باید یک حجم فرهنگ، حاکم باشد. من بعضی دوستان مهندس دارم که اطلاعات فرهنگی آنها فوق‌العاده زیاد و خوب است؛ اما این قبیل افراد را معمولاً در کار نمی‌آورند؛ بلکه سرگشایی می‌روند

از میان ادبیات مقاله در برق یا در مکانیک و... دارند. و ابزاری فکر می‌کنند. مشکل ما این است که مسئولان باور ندارند علاوه بر تخصص، برخی اطلاعات دیگر هم لازم است. پژوهشی است. اگر این نکته را می‌فهمیدند، نتیجه فرق می‌کرد.

**آیا می‌توانیم بگوییم که فلسفه علم در کل رشته‌ای ضروری است؟ هم برای دانشگاه‌های علوم انسانی و هم برای دانشگاه‌های صنعتی؟**

بله، برای همه آنها لازم است؛ چون می‌فهمند علم چقدر توانایی دارد، چقدر محدودیت دارد، چه چیزهایی ثابت است و چه چیزهایی متغیر. لذا برای همه لازم است.

**سپهری نثاره به اینکه یک دانشگاه صنعتی باشد؟**

اول تضمین کند که در دانشگاه‌ها رفاقت‌بازی و پارتی‌بازی حاکم نیست و بعد اختیار را به دانشگاه‌ها بدهند. اختیار را هم که به دانشگاه‌ها می‌دهند، باید افرادی را فقط بر دانشگاه‌ها حاکم باشند، نه افرادی که دنیا را رنگی با عینک اُزار می‌بینند. دنیا بیش از ابزار است و بسیار پیچیده است. به بلایی که غرب بر سر ما می‌آورد، تصور علوم انسانی انجام می‌شود.

**آیا اگر رشته‌های مهندسی علاوه بر واحدهای رشته خودشان، واحدهایی از تاریخ علم و فلسفه علم و جامعه‌شناسی می‌گرفتند، محصولان غنی‌تر و کاراتر نمی‌بود؟**

من همیشه این پیشنهاد را کرده‌ام. دانشگاه ام‌آی‌تی دانشجوهای مهندسی‌اش را مجبور می‌کند که تعدادی

دروس از علوم انسانی بگیرند. پیشنهاد ما به دانشگاه صنعتی شریف نیز همین بود؛ اما مسئولان ما می‌گویند ما درس معارف داریم، درس مدیریت و اقتصاد هم داریم؛ یعنی علوم انسانی برای آنها فقط در مدیریت و اقتصاد و دروس معارف خلاصه شده‌است؛ اینها خوب است، ولی کافی نیست؛ جامعه‌شناسی، فلسفه علم و خود فلسفه، بیش‌ها را وسیع‌تر می‌کند. اینکه چه کار باید بکنند، مسئله آسانی است؛ ولی من آن را یک مسئله سهل منتعم می‌بینم. سهل است، اگر دست آدم مناشب یفتند؛ و مشکل است، اگر دست کسی یفتند که با مسائل انسانی بیگانه‌اند. وقتی کسی در موضوعی جاهل است، شائی برایش قائل نیست. مسئولان بیايند در یک مرکز شرکت کنند تا من نشان بدهم چقدر در این حوزه‌ها جاهل‌اند. تکنولوژی فرا تر است؛ خلأ انسانی اجرا شود، بلکه برای انسان‌ها اجرا می‌شود

### بررسی وضعیت اولین دپارتمانِ فلسفه علم در ایران

**فلسفهٔ علم در ایران**

## گفتگو با دکتر مهدی گلشنی

**بخش دوم و پایانی**

## فلسفهٔ علم در ایران

**گفتگو با دکتر مهدی گلشنی**

**بخش دوم و پایانی**

**فلسفهٔ علم در ایران**

و فلسفه‌پژوئی و فلسفه تحلیلی هم تدریس شده است. در ایران وقتی چیزی مُد می‌شود، زیاد سراغ آن می‌آیند، بدون آنکه از محتوایش خبر داشته باشند.»فلسفه تحلیلی» در محیط ما چنین وضعی دارد. دانشجوی سال اول فلسفه علم می‌آید و می‌خواهد ببیند که کی فلسفه قرارهای تدریس می‌شود و کی فلسفه تحلیلی؟ آن‌هم فقط به دلیل مُد شدن آنهاست؛ اما نه زمان که این چیست، نه می‌داند که آن چیست. در زمان ما **نیگولاش** ماکسول – فیلسوف علم برجسته انگلیسی – می‌گوید: نه فلسفه قرارهای و نه فلسفه تحلیلی، بلکه فلسفه طبیعی اینترتیس و… یعنی ادامه فلسفه ابن‌سینا، البته در سالهای اخیر گاهی ما پشت سرهم فلسفه تحلیلی را ارائه کرده‌ایم؛ ولی نقاده بوده، نه کورکورانه.

**یکی از مشکلات مهم ما دعوت از اساتید بیرون دانشگاه است. دانشگاه اجازه نداده است افراد جدید را به دانشگاه بیاورند.**

### بررسی وضعیت اولین دپارتمانِ فلسفه علم در ایران

**فلسفهٔ علم در ایران**

## فلسفهٔ علم در ایران

**گفتگو با دکتر مهدی گلشنی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**بخش دوم و پایانی**

**فلسفهٔ علم در ایران**

دانشجویان خاضعانه می‌آمدند و مشورت می‌کردند، ولی حلاً می‌آیند و با تحکم می‌گویند که دلشان می‌خواهد درباره فلان موضوع کار کنند؛ در حالی که بعضی وقتها موضوعاتی را انتخاب کرده‌اند که واقعاً اولویت ندارند، بلکه فقط مد هستند و در بعضی رسانه‌های فرهنگی تبلیغ می‌نوبند. آنها به نیازهای واقعی علم یا محیط کمتر توجه می‌کنند. من غرور زائلالوصفی در محیط می‌بینم؛ هم در هیأت علمی جوان و هم در دانشجویان. من قبل از انقلاب پا در سال‌های دهه اول و دهه دوم بعد از انقلاب چنین غروری را نمی‌دیدم. الان دانشجویان بسیار فاطعانه فکر می‌کنند که همه چیز را می‌دانند و این موضوع به آینده کشور لطمه خواهد زد.

**فضای فرهنگی که فلسفه علم در کشور پیدا کرده و در پیش گرفته، چقدر متأثر از ترجمه‌هاست؟**

سپارند آثار واقعاً مفیدی که سالهای اخیر در غرب منتشر شده‌اند و ترجمه آنها لازم است، ولی کسی نمی‌ترجمه آنها کرده است. همین‌طور غرب تطبیق مطالعات علمی با میراث فلسفی خودمان کمتر رفته‌اند. شما آثار منتشر شده زیادی در سالهای اخیر در دست می‌بینید که درست به جهت تفکر اسلامی است؛ اما اینها کمتر به محیط ما منتقل شده‌ه است. بیشتر آن چیزهایی در محیط مطرح است که صرفاً غربی است یا یک جایی مد شده است.

**بسیاری از اقدام‌ها و سبندارهای کنونی جاهلانه است. کسانی را که صاحب‌نظرند، به همایش‌ها برای سخنرانی دعوت نمی‌کنند، بلکه افرادی دعوت می‌شوند که چندان ربطی به موضوع مورد بحث ندارند. من این خامی را کاملاً می‌بینم و این لطمه‌زننده است. برای هر موضوعی باید به سراغ افراد خبره در آن بریزند. باید کسانی که سالیاتس در آن حوزه کار کرده‌اند، سراغ تضارب ارا صورت گیرد. روش نقد هم که در محیط ما خصمانه است، باید**











### کشف ۱۵۶۰ کیلو گرم مواد مخدر در کرمان

کرمان - خبرنگار اطلاعات: ۱۵۶۰ کیلوگرم مواد مخدر در کرمان کشف شد.
اتظامی استان کرمان اعلام کرد:اموران پلیس جیرفت در چند عملیات جداگانه موفق به کشف این مقدار مواد مخدر شدند.
رضا اسدیفر افزود: مأموران پلیس جیرفت در محور اصلی این شهرستان در یک عملیات ضمن دستگیری یک قاچاقچی و توقیف ۲ دستگاه خودرو پژو، موفق به کشف ۲۵۴ کیلوگرم تریاک شدند.
به گفته وی همچنین مأموران پاسگاه گُز بخش راین در بازرسی از یک دستگاه وانت‌مرد ۷۵۶ کیلوگرم تریاک، ۳۵ کیلوگرم مرپین و یک کیلوگرم هروئین کشف کردند.
فرمانده انتظامی این نامر گفت: مأموران پلیس مواد مخدر استان کرمان همچنین با انجام کار اطلاعاتی مشترک با استان سمنان ضمن تعقیب و مراقبت نامحسوس قاچاقچیان از محل دیو مواد در یک نقطه از شهر کرمان ۳۱۰ کیلوگرم مرپین و ۴ کیلوگرم هروئین کشف کردند.
سردار رضا بنی اسدی‌فر افزود: در این رابطه ۴ قاچاقچی دستگیر و به همراه مواد مشکوفه تحویل مقامات ذیصلاح شدند.

#### دستگیری شور مسلح آدم‌بادر یگان

فرمانده انتظامی یگان از دستگیری شور مسلح آدم‌بدر را در این شهرستان چند دادرس‌هنگ تاج‌آبادی اظهار داشت: سال ۹۵ در پی وقوع یک فقره آدم‌ربایی و با تگ شدن عرصه بر آدم‌ربانان، دریا گروگان آزاد شد و اقدامات پلیسی جهت دستگیری متهمین در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.افزون بر این رابطه یکی از ان‌شسر مسلح بسال گذشته در شهرن‌های همجوار دستگیر و با حکم مسئولان قضایی اعدام شد و عامل اصلی این پرونده که کماکان فراری بود نهایتاً بعد از ۲ سال و با استفاده از منابع اطلاعاتی در یکی از مناطق کوهستانی شناسایی و دستگیر شد.

به گفته وی این فرد سوابقی چون چندین فقره اخلاف در نظم و امنیت عمومی از طریق تیراندازی، آدم ربایی، حمل و نگهداری سلاح و قدرت نمایی را در کارنامه خود دارد.

#### بر خودر پراید و پژو ۳ کشته داد

❖ در یک حادثه رانندگی در استان کرمان ۳ نفر جان خود را از دست دادند.فرمانده انتظامی بخش شهداد از برخورد یک دستگاه پراید با خودرو پژو در محور اندوهجود - شهداد خبر داد و افزود: در این سانحه رانندگی راننده و سرنشین پراید و یکی از سرنشینان خودرو پارس به علت شلشد جراحات وارده دردت گردید و هشتاد نفر از سرنشینان این دو خودرو مجروح و توسط اورژانس زمینی و هوایی به کرمان منتقل شدند.گفته وی علت وقوع این حادثه توسط کارشناسان پلیس راهور در بررسی است.

#### دستگیری اختلاسگران میلیاردی در بیرجند

فرمانده انتظامی خراسان جنوبی گفت: ۲ متهم که با سوءاستفاده از موقعیت شغلی خود ۱۰میلیارد ریال در بیرجند اختلاس کرده بودند دستگیر شدند.
سردار مجید شجاع افزود: اطلاعاتی مبنی بر اینکه رئیس شعبه یکی از موسسات مالی و اعتباری استان به همراه مسئول تسهیلات این موسسه در زمان تصدی خود با سوءاستفاده از مدارک هویتی اشخاص از جمله اعضای خانواده وابستگان و دوستان نزدیک خود اقدام به افتتاح حساب و اخذ تسهیلات کلان کرده در دریافت شد.
وی ادامه داد: موضوع به صورت ویژه توسط اداره جرائم اقتصادی پلیس آگاهی استان خراسان جنوبی پیگیری شد و بررسی‌های کارآگاهان حاکی از این بود که مبلغ اختلاس شده ۱۰میلیارد ریال است.
با یاب این‌ها اینکه این افراد مدتی است از کار تعلیق شده‌اند.افزون: با دستور مقام قضایی متهمان تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند و شناسایی شاکیان آغاز شد.
وی گفت: با همکاری مسئول حقوقی این موسسه، ۲ نفر از این پرونده شناسایی شدند و در بررسی‌های فنی پلیس آگاهی مشخص شد این افراد هیچگونه وامی از این موسسه دریافت نکرده‌اند و متهمان با جعل اعضای آنها تسهیلات کلان دریافت کرده‌اند.
شجاع گفت: با دستور مقام قضایی ۲ متهم این پرونده دستگیر و روانه دادرسا شدند و تحقیقات پلیس برای شناسایی سایر شاکیان احتمالی این پرونده ادامه دارد.

#### تسلیت به همکار

**جناب آقای مر نرضی عالی حسینی** سرپرست محترم نمایندگی روزنامه اطلاعات در استان خراسان به ناهیت تسلیت و تأثر در گذشت مادر گرامی همسران را در به شما و خانواده محترمان تسلیت گفته و از خانواده‌تان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

**سازمان شهرستان‌ها -**  
**سرویس اخبار شهرستانهای روزنامه اطلاعات**

# نیازمند بهای اطلاعات

زاهدان - خبرنگار اطلاعات:

استاندار سیستان و بلوچستان در همایش فرماندهان انتظامی استان،اطهار داشت:سیستان و بلوچستان در مقام مقدم جبهه، امنیت، بهداشت و اقتصاد کشور است و باید در زمینه تجهیز امکانات لجستیکی و تخصیص منابع اعتباری متفاوت از سایر استان‌های کشور دیده شود.

احمدعلی موهبتی، گفت: در همه جای دنیا خط مقدم جبهه خود را تقویت می‌کنند، چرا که غفلت از تجهیز و به‌ روز کردن امکانات نرم افزاری و سخت افزاری امنیت، قطعا تهدیدات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

انژیوری انسانی موجودمجموعه ناجا در استان را با توجه به موقعیت استان ناکافی دانستند و افزود: در استان سیستان و بلوچستان با دارا بودن ۱۶۵۱ کیلومتر مربع خاکی و آبی نیروی انسانی موجود در بخش امنیتی و نظامی متناسب با حجم کار و موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه نیست، وی ضمن آمادگی بر پیگیری مسائل و مشکلات این بخش ادامه

همدان- خبرنگار اطلاعات: استاندار جدید همدان با حضور حسین ذوالفقاری معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور و مقامات امنیتی معرفی شد.

در این بین مسید سعید شاهرخی به عنوان استاندار همدان معرفی و از خدمات پنج ساله محمد ناصر نیکبخت تقدیر شد.

معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور گفت: ما شرایط ویژه‌تری داریم و دشمنان اسلام فرهنگ و اقتصاد و امنیت کشور را هدف قرار داده‌اند و تحریم هدف غایی نیست و می‌خواهند امنیت کشور را بهم بزنند.

حسین ذوالفقاری با تأکید براینکه از وحدت و یکپارچگی استان همدان قلبا خوشحالم هستم، اظهار کرد: امروز تهدیدات عدیده و ضعف‌های داخلی نیز در کشور وجود دارد و اگر در رفع این ضعف‌ها موفق نشویم باید بدانیم که با مشکلات بیشتری مواجه می‌شویم.

وی با بیان اینکه منابع قوی در کشور داریم اما استفاده کمتری در عمل می‌شود، اضافه کرد: ۹۰درصد وقت و توان ما روی مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گذاشته می‌شود نه امنیتی و در امنیت مشکل نداریم.

معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور با اشاره به اینکه حق پیروز است اما پیروزی اهل حق مشروط است که یکی از شروط اول وحدت و انسجام است، تأکید کرد: در جدت و انسجام یک اصل برای ماست.

وی اضافه کرد: امروز مهمترین مسأله کشور رضایتندی مردم است و استاندار همدان دستگاه‌های مختلف استان را ارزیابی کند که چند نفر از مردم همدان با نیروهای

آزادگی و جرئتی است که رزمندگان و ایثارگران در دوران جنگ از خود باقی گذاشتند.

احمدعلی موهبتی استاندار سیستان و بلوچستان در دیدار با خانواده شهدا و جانبازان استان، ضمن ادای احترام به شهدا، جانبازان، ایثارگران و خانواده‌های معظم آنان در ارتیباط با مسئولیت نیاوران انسان‌ها از

لزام برای حفظ امنیت انسان‌ها از ضروریات است.

رئیس ششورای تأمین استان اضافه کرد:امنیت پایدار و به دنبال آن توسعه سایر شاخص‌های توسعه‌ای برقرار علاوه بر تلاش نیروهای امنیتی و انتظامی در گرو انجام وظایف سایر دستگاه‌های خدماتی، آموزشی و اجرایی استان است.

موهبتی در پایان از خدمات و تلاش‌های بی وقفه مجموعه متولیان رفاری نظم و امنیت در راستای اقتدار نظام و اهداف جمهوری اسلامی در استان تقدیر و تشکر کرد.

**امنیت و عزت ما امروز مرون رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس**

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت

استاندار

زیرا اولین گام رستگاری، حرکت















## همایش بزرگداشت مرحوم آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی در قم برگزار می‌شود

سرویس شهرستانها: همایش بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی با حضور شخصیت‌های برجسته حوزوی و دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور اقلیت‌های دینی پنجاهشتم آذر در دانشگاه مفید قم برگزار می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا یوسفی دبیر دومین همایش بزرگداشت مرحوم آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی، بزرگداشت‌های علمی و دغدغه‌مند را در جمله ویژگی‌های دومین همایش بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی دانست و افزود: این همایش به دنبال پیگیری و تبیین دغدغه‌های آن عالم ربانی در دوران مسئولیت و مرجعیت ایشان از شرایط جامعه است تا دستاوردهای آن بتواند گرهی از مشکلات جامعه باز کند. وی بهترین نکوداشت یک شخصیت علمی را دنبال کردن دغدغه‌های آن دانست و گفت: با نظرسنجی انجام گرفته از ۵۶ شخصیت علمی و حوزی کشور، مسائل و دغدغه‌های جامعه در ۴۰ سرفصل تعریف و سه محور آن پیرامون رشته‌های موجود در دانشگاه با پیمائش‌های این دسته‌حیاتی در این همایش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یوسفی با اشاره به برگزاری دو نشست تخصصی با موضوع «نشست حقوقی- سیاسی و نشست اقتصادی در حاشیه این همایش گفت: حجت الاسلام و المسلمین علی یونسئ دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی از جمله سخنرانان نشست تخصصی حقوقی- سیاسی این همایش است.

او با اشاره به برگزاری نخستین همایش بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی گفت: کتاب «آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی از نگاه دیگران»، «فقیه جامع» پیرامون زندگینامه آن مرحوم، «آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی به روایت استاد سلاوک» از جمله کتاب‌هایی است که پیرامون شخصیت و جایگاه علمی ایشان به چاپ رسیده است. **با حضور تولیت آستان قدس رضوی صورت گرفت**

## افتتاح «باغ خاتون» نخستین مرکز فرهنگی، تفریحی و ویژه بانوان در مشهد



در آستانه میلاد با سعادت رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) و امام جعفر صادق(ع)، نخستین مرکز فرهنگی، تفریحی و اردوگاهی ویژه بانوان در مشهد با عنوان باغ اردوگاه خاتون، با حضور تولیت آستان قدس رضوی افتتاح شد.

به گزارش فارس از مشهد، به نقل از آستان قدس رضوی، در آستانه هفدهم ربیع‌الاول سالروز ولادت با سعادت رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) و امام جعفر صادق(ع) آیین افتتاحیه نخستین مرکز فرهنگی، تفریحی و اردوگاهی ویژه بانوان در مشهد با عنوان باغ اردوگاه خاتون، با حضور تولیت آستان قدس رضوی و جمعی از مدیران و مسئولان شهری و استانی در محل این باغ افتتاح شد.

در ابتدای این مراسم پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید و صلوات خاصه امام رضا(ع) کلیپ صحبت‌های مقام معظم رهبری پیرامون شخصیت زن پخش شد و اجرای تلوایش و مداحی ابر عارف مداح و کارکن اهل بیت(ع) از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

همچنین در ادامه مستند «سید نور خدا موسوی» و فعالیت‌های عمرانی این اردوگاه در قالب کلیپی پخش و معرفی شد.

سخنرانی حجت الاسلام مدیبراهیم ربیعی تولیت آستان قدس رضوی، فاطمه ذرپدر سرپرست مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی و همسر شهید سید نور خدا موسوی از دیگر برنامه‌های تدارک دیده شده در این آیین افتتاحیه بود.

انحصاس ۱۸ هکتار از باغات آستان قدس رضوی برای استفاده بانوان در این مراسم سرپرست مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی گفت: مساحت کل باغ امام رضا(ع) ۱۱۲ هکتار می‌باشد که در فاز اول ۱۸ هکتار آن در اردوگاه انحصاس داده شده است.

فاطمه ذرپدر با بیان اینکه نوآوری و خلاقیت بانوان در طراحی بخش‌های مختلف این باغ اردوگاه مورد تأکید بوده است، افزود: نشاط آفرینی و آمیختگی برای بانوان، تربیت محوری و رشد و اعتلای معرفی، فرهنگی و مهارتی این گروه از یکدیگر بر مبنای دینی، تکمیل کلیات و همسری بانوان و پژوهش‌های فرهنگ و اقتصاد در برنامه‌های ویژه بانوان و خانواده و درجمله سیاست‌های اصلی محوری ایجاد این باغ اردوگاهی ویژه بانوان بوده است.وی با اشاره به ایجاد مرکز خلاقیت و نوآوری بانوان در این باغ اردوگاه توضیح داد: این مرکز ضمن فراهم کردن فرصت برای آیدپژداری بانوان، به‌دنبال حمایت از ایده‌های نو و خلاق بانوان و پشتیبانی از آنها در جهت پرورش و تکمیل و پیاده‌سازی آنهاست.

سرپرست مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی با تأکید بر اینکه تبدیل خلاقیت‌ها و دستاوردهای علمی و تحقیقاتی به محصولات قابل ارائه به‌بازار و توسعه کسب‌وکارهای خلاق بانوان در دستور کار قرار داده شده است، اظهار کرد: این مرکز همچنین متولی پیشبرد تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی در کسب و کارهای خلاق فرهنگی ویژه بانوان است.ذرپدر ایجاد مرکز خلاقیت و نوآوری بانوان، نمایشگاه و بازار خلاقیت و نوآوری بانوان، مرکز راهمایی و مشاوره بانوان، روستان کتاب و اندیشه، مرکز آموزش، نمایشگاه مفاهیر جریان‌ساز فکری فرهنگی و اقتصادی بانوان، نمایشگاه سبک زندگی بانوی ایرانی، بوستان زن و خانواده و گلستان نونهالان را از جمله بخش‌های مختلف این باغ اردوگاه معرفی کرد.

## رئیس قوه قضائیه: کار گران اجازه ندهند مطالباتشان، بهانه‌ای برای استفاده ابزاری دشمنان شود

قاسم خیز: رئیس قوه قضائیه با تأکید بر ضرورت حل مشکلات معیشتی و صنفی کارگران با همکاری همه قوا، گفت: دشمن در پی سوءاستفاده از برخی مطالبات است، کارگران نباید اجازه دهند که مطالباتشان بستر و بهانه‌ای برای استفاده ابزاری دشمنان و ایجاد بی‌نظمی در کشور شود. آیت‌الله آملی لاریجانی در جلسه مسئولان عالی قضایی با اشاره به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، بر همکاری قوا برای حل این مشکلات تأکید کرد و افزود: برای اصلی مسئولیت برای حل مشکلات مردم در دو شرفه است: متنها برای دیگر نیاز باید به دولت کمک کنند. به‌جمله‌ها با تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا برخی از گره‌ها در حال گشودن‌شدن است و به تدریج شاهد ثبات و وضع بهتری خواهیم بود.

رئیس دستگاه نضا تأکیدکرد: مطالبات کارگران عزیز باید در یک فضای معقول و با‌تفاهم‌های منطقی با پیمانکاران و با ورود دولت و دستگاه قضایی به نتیجه برسد.این که عدای این مطالبات را بخوانند و عدای بهانه کنند و نظم و انضباط کشور را بر کم بریزند، قابل قبول نیست. در حق این تأکید می‌کنم که دولت نیز باید مسأله معیشت کارگران را واقعاً مد نظر داشته باشد و در جاهایی که مشکلاتی پدید می‌آید فوراً رسیدگی کند. اما در زحمات دستگاه‌های اجرایی برای حل مشکلات، تشکر می‌کنم و باید در عین حال تأکیدان‌این است که مسائل سر وقت خود و به موقع حل و فصل شوند تا نتیجه‌بخش باشند.

**«رازداری معقول، منطقی**

و گذری به قضائیه با تأکید بر حمایت دستگاه قضایی از سرباهای گذاری بخش خصوصی، و گذاری معسرول و منطقی با نظارت تمام را از ازارک یک واکاوی واضح دانست و گفت: همه قوا دست به دست هم بدهند و در جهت حل مشکلات کارگران و کارمندان که ضعیف جامعه به لحاظ درآمدی هستند، کار ببردارند.

وی افزود: درنهایت‌ک که کشورهای استعماری

# دستور رئیس‌جمهوری برای کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان کرمانشاه

کرمانشاه - خبرنگار اطلاعات: ۷۷۱ نفر بر اثر زلزله ۶/۴ ریشتری یکشنبه شب در استان کرمانشاه مصدوم شدندکه ۳۵ نفر در مراکز درمانی بستری هستند و خوشبختانه این زمین لرزه فوتی نداشته است.

**\* دستور رئیس‌جمهوری**

رئیس‌جمهوری در تماس تلفنی با استاندار کرمانشاه، در جریان تازه‌ترین گزارش‌ها درباره زلزله ۶/۴ ریشتری یکشنبه شب در حوالی قصر شیرین و سر پل ذهاب، قرار گرفت و بعد از بررسی احوال گزارش‌ها، دستورهای لازم را صادر کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، دکتر روحانی در گفتگو با هوشنگ بازوند استاندار کرمانشاه پس از اطلاع از مهمترین مسائل میدانی و نیازهای مردم در مناطق زلزله زده و همچنین بررسی روند خدمات رسانی دستگاه‌های امدادی و درمانی؛

دستورهای لازم را برای بسیج همه امکانات دستگاه‌ها و نهادهای جهت امداد رسانی هرچه سریعتر و بهتر به زلزله‌زدگان و رسیدگی فوری به وضع آسیب دیدگان و مصدومان صادر کرد.

**\* بسیج همه امکانات**

معازن اول رئیس‌جمهوری هم در تماس تلفنی با استاندار کرمانشاه بر بسیج امکانات

به منظور کمک به مجروحان و آسیب‌دیدگان تأکید کرد.

احساح جهانگیری در تماس تلفنی با استاندار کرمانشاه بر انجام اقدامات فوری و اعزام نیروهای امدادی و به‌کارگیری و بسیج همه امکانات به‌منظور کمک به مجروحان و افراد آسیب‌دیده تأکید کرد.

استاندار کرمانشاه گفت: مشکلی از نظر تأمین آب، برق، مخابرات، گاز، دارو و درمان در مناطق زلزله‌زده وجود ندارد و نیروهای امدادی و خدمات رسانان در منطقه مستقر شده‌اند.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام

ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

**\* آیین زلزله**

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

## رئیس قوه قضائیه: کار گران اجازه ندهند مطالباتشان، بهانه‌ای برای استفاده ابزاری دشمنان شود

خیال اسوده جنایت کن»
 **\* «حقوق بشر» زیر پا می‌رود**
رئیس قوه قضائیه با بیان تأسف که‌نسبت به انحطاط اخلاقی دنیا، اظهار می‌دارد: «بشر از لحاظ حکام سابق آمریکاییز که مینظور بودند اما وقاحت آنها اکنون آشکارتر و عریان‌تر شده و تصریح می‌کنند ما حقوق بشر را زیر پا می‌گذاریم چون قراردادهای تسلیحاتی ۱ میلیارد دلاری بسته‌ایم و پول غریستان در کشور ما شغل ایجاد کرده است.

آملسی لاریجانی افزود: در واقع همانگونه که برخی مسئولان غربی نیز به این معنا اشاره کرده‌اند، آمریکا یک ملت رشید، بصیر و دارای پشتوانه چند هزار ساله تمدنی را «تروریست» بخواند، بسیار تعجب‌آور و گراف است. نمی‌توان پذیرفت که میراث‌دار کارگران‌های تپانچه به‌دست آن‌ا سابقه زشت اخلاقی، ملتی بزرگ را مغم به تروریست‌بوند کند.

رئیس قوه قضائیه ادامه داد: کشور اسلامی ما امروز در طوفان ۱۰۰سال‌گذشته، یک جهنم و مسیر واحد داشته و آن، «مقیله با سلطه» بوده که بخشی از فرایند سلطه‌گری نیز به‌منه‌ای در تروریسم است. جمهوری اسلام، خود فریانی تروریسم است و افکار عمومی جهان شاهد است تروریست‌هایی که روزگاری در ایران جولان می‌دادند و مردم بی‌گناه و به خاک و خون می‌کشیدند، امروز در دامن غربی‌ها مشغول استراحت هستند و در آن‌ها می‌بعنوان یک ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرند.

وی با اشاره به حملات شیمیایی اخیر به شهر حلب در سوریه توسط تروریست‌ها یادآور شد: کشورهای سلطه، روزگاری به بهانه مقایله باسلاح‌های کنتراجسمی به عراق حمله کردند در حالی که خوششان در خانه‌های صدام را از این سلاح‌ها پر کرده بودند. امروز هم در حلب، حملات شیمیایی انجام می‌گیرد اما چون از جانب تروریست‌هاست، یک صیادی از حایان آنها به گوش نمی‌رسد. این فقیقا همان ارزش‌های آمریکایی مورد تأکید سردمداران این کشور است که صراحتاً می‌گویند (از ما سلحه بخر و با آن به تصویب رئیس قوه‌قضائیه رسید.

### اخبار داخلی



استان کرمانشاه را لرزاند.موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران گزارش داد، این زمین لرزه در عمق هفت کیلومتری زمین و در فاصله ۱۷ کیلومتری سرپل ذهاب، ۱۸کیلومتری قصر شیرین و ۲۳ کیلومتری گیلانغرب و ۱۷ کیلومتری مرکز کرمانشاه رخ داده است.این زلزله به حادی کشید بود که در تمام نقاط استان کرمانشاه احساس شد و اکثر مردم را به گدراک‌های عمومی و پارک‌ها کشاند.

ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

استاندار کرمانشاه گفت: مشکلی از نظر تأمین آب، برق، مخابرات، گاز، دارو و درمان در مناطق زلزله‌زده وجود ندارد و نیروهای امدادی و خدمات رسانان در منطقه مستقر شده‌اند.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

بازونددر نشست شورای هماهنگی کشاوزری، اکثریت جایگاه‌های دایمی در مناطق زلزله زده در آسب در امان بودند و کذراک‌های عمومی و پارک‌ها انجام ایمن زلزله پس لـسـرزه زمین لرزه ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان سال گذشته بوده که در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله و ۲۳ کیلومتری شهرستان سرپل ذهاب رخ داد و ۶۲۰ کشته و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشت.

### ضریح مطهر شهدای کربلا در قم رونمایی شد



۱۱مهرکعب‌چوب‌ساج، ۲۸۴کیلوگرم مس، ۲۲کیلوگرم برنج، ۲۵۲کیلوگرم استیل، حدود ۸۰۳کیلوگرم و نزدیک به ۹ کیلوگرم طلا استفاده شده است، وی ابراز امیدواری کرد که آن شاه‌له به زودی این ضریح مطهر به کربلای معلی منتقل و در حرم مطهر امام حسین(ع) نصب شود  **\* رونمایی از کتاب «شیشه**

روشتن آه‌هی حصوصرات

بنیونسویه به خانم **مقصوده رضائنی** فرزند اسمعیل اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۷۲۷۸۸۹ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **مهن هرانی دوم** فرزند سلطان اعلام می‌گردد دادخواستی به تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **مهن هرانی دوم** فرزند سلطان اعلام می‌گردد دادخواستی به تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **آقای احمد روشن‌زاده** فرزند گو‌رز اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **آرش حیدری سورجانی** فرزند شجاع‌اعلی اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **مهن هرانی دوم** فرزند اسفندیار اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

# دستور رئیس‌جمهوری برای کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان کرمانشاه

وی تأکید کرد: چنانچه در روستاهای صعب‌العبور نیاز به امداد رسانی باشد، خلبانان برای امدادرسانی به پرواز در خواهند آمد.

**\* برقراری امنیت کامل**

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه هم گفت: شهرستان‌های زلزله‌زده غرب استان به س‌حضور نیروی نظامی در امنیت کامل به سر می‌برند.

سردار منوچهر امام‌اللهی افزود: پس از وقوع زمین لرزه ۶/۴ ریشتری سرپل ذهاب پالس به حالت آماده باش درآمده و همه چیز تحت کنترل است.

**\* نیروهای سپاه وارد عمل شدند**

سختگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: یک‌پان‌های سپاه که در منطقه مستقر هستند به منظور امداد رسانی به مردم زلزله‌زده کرمانشاه وارد عمل شدند.

سردار رمضان شریف اعلام کرد: پس از وقوع زلزله یکشنبه شب در کرمانشاه به اساس برآوردهای انجام‌شده این زلزله خسارت‌چنانی به همراه نداشته است و هیچانی که در میان مردم ایجاد شده به خاطر خطرهای است که از این زلزله نداشت‌گشته است.

سختگوی شرکت ملی گاز، درباره گازرسانی به روستاهای مناطق زلزله‌زده گفت: پس از وقوع زلزله در استان کرمانشاه، شیر گاز ورودی شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب و ۱۰روستای تابعه آنها بسته شد تا شاهد وقوع حوادث ثانویه نباشیم.

میدیا بوجازده‌ها افزود: کارشناسان منطقه ۷ انتقال گاز و شرکت گاز استان کرمانشاه بدون اتلاف وقت عملیات بررسی سلامت خطوط انتقال گاز و شبکه گاز درون شهری و درون روستایی را آغاز کردند و پس از حصول اطمینان از سلامت خطوط، گاز مناطق قصر شیرین و سر پل ذهاب در نخستین ساعات پس از زلزله وصل شد.

همچنین تیم‌های مداخله در بحران سازمان بهزیستی (تیم‌های مجب و اورژانس اجتماعی) در پی وقوع زلزله در شهرستان سرپل ذهاب و دیگر نقاط استان کرمانشاه برای حمایت روانی و دادن آرامش به آسیب دیدگان این زلزله‌زدگان حضور یافتند. مدیرکل مدیریت بحران استانداری کردستان هم گفت: گزارشی از خسارت‌های احتمالی زلزله در مناطق مختلف این استان اعلام نشده است.

زمین لرزه استان کردستان نیز احساس شد. شهرهای استان کردستان نیز احساس شد.

## وزیر دفاع: پیام ما به همسایگان صلح و دوستی است

سرویس شهرستانها: نمایشگاه بین‌المللی هوایی، برای ملت ما تجلی اراده، خواستن و نمد تحقق نظریه مقاومت در برابر زورگویی‌ها و استقلال است.

امیر سرتیپ حاتمى وزیردفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در همایش صنایع هوایی و هوانوردی جزیره کیش بیان این مطلب افزود: به اعتقاد من این نمایشگاه در این مقطع تاریخ حساس جهان، نوعی جشنواره شادی، امید و عزت و افتخار است. جشنواره‌ای که در آن باید، از عظمت علم و دستاوردهای آن لذت برد و به این دانش همه بشری ادان احترام کرد و از طرفی جشنواره‌ای برای شکرگزاری خداوند است که از روی عدل، هوش و اراده را میان انسان‌ها تقسیم کرده است تا روزی اگر افراد جاه طلب و استخفیه، دیگران را از دانش خود محروم کردند، ملت‌های دیگر با اراده فولادین و هوش خود، با تلاش آن را به دست آورند.

وی گفت ما خواهیم موفقیتان، موفقیت فرزندان سرزمینمان را به نظاره بنشینیم و از تماشای آن با احساس افتخار و غرور، لذت ببریم. هرچند پیشرفت‌های علمی و قانونانه برای همه ملت‌ها همه غرور است ولی برای ملت‌هایی که تحت فشارهای قدرت‌های زورگو و به رغم مخالفت آنها، این پله‌های ترقی را طی می‌کنند، احساس غرور مضاعفی دست می‌دهد.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح افزود: این نمایشگاه سمبل تحقق رویای بشری، یعنی پرواز است، رویایی که مدیون علم و صنعت هوایی و دانشمندان این عرصه است.

برای حمایت گفت: برای سر جمهوری اسلامی ایران با نشاط، استوار، سربلند و با اعتماد باشد در برابر مسئولان نفرت پراکن، دروغگو، عهدشکن، خشونت طلب و جنایتکار آمریکا، ایستاده است و این نمایشگاه و حضور شما، همپیمانان نمونه‌ای است که نشان می‌دهد آنها با تحریم ظالمانه علیه مردم ایران، حیثیت خود را مخدوش کرد، و جلوگیری از پیشرفت و توقف استقلال خواهی ملت ایران سربا بیش برای آنها نخواهد بود.

بنیونسویه به خانم **مقصوده رضائنی** فرزند اسمعیل اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۷۲۷۸۸۹ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **رویا احتشامی** فرزند اکبر اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **آقای احمد روشن‌زاده** فرزند گو‌رز اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **آرش حیدری سورجانی** فرزند شجاع‌اعلی اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **مهن هرانی دوم** فرزند اسفندیار اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

بنیونسویه به **آرش حیدری سورجانی** فرزند شجاع‌اعلی اعلام می‌گردد دادخواستی به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد خودروه به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت شما به این شورا تقدیم که به کلاسه ۹۷۲۸۸۶ ثبت و برای ویز چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱ ساعت ۱۰:۰۵ وقت رسیدگی تعیین شده است جهت رسیدگی در این شورا حاضر در غیر انصورت تصمیم مقتضی اخذ خواهد شد. **مه‌به دهقان مسئول دفتر شعبه یک‌شورای حل اختلاف پروات**

## خط ارتباطی مردم با اطلاعات تلفن ۲۲۲۷۶۰۹۰

**سپاس از نویسندگان روزنامه اطلاعات**
از دکتر محمدعلی فیاض‌بخش به دلیل نگارش مکتوب هفته «یک قرص نان و اینهمه تأخیر» در روزنامه اطلاعات یک‌م‌آذر و دفاع شجاعانه‌اش از حقوق کارگران نیشکر هفته‌به‌هفته سپاسگزارم. از ایشان و همچنین سرپرست محترم روزنامه اطلاعات و دیگر نویسندگان این روزنامه که همواره مشکلات عمده کشور و راهکارهای آن را به روشنی و شجاعت بیان می‌کنند، متشکرم.

**خانم شهروند از تهران**
**مسئولان حسن ایران‌دوستی داشته‌اندند**
ما از خوانندگان روزنامه اطلاعات که ظاهراً کاری ساخته نیست، ولی ای شاکس مسئولان کشور یادداشت‌های نویسندگان روزنامه اطلاعات و از جمله دکتر محمدعلی فیاض‌بخش را می‌خواندند و توصیه‌های ایشان را به کار می‌بردند. ای شاکس متولیان که صرفاً پشت میزهایشان می‌نشینند و برای این و آن نسخه می‌پوشند، به قول آقای احمد مسجدجامعی «حسن ایران‌دوستی» داشتند و به فکر مردم و بخصوص اقتدار آسیب‌پذیر جامعه هم بودند.

**خانم هموطن**
**تقاضای بازنشتگان تأمین اجتماعی به مورد سبد کالای حمایتی**
قرار بود پس از مددجویان کم‌تأمین امداد و بهزیستی، سبد کالای حمایتی دولت به بازنشتگان تأمین اجتماعی کمک گیرد. اما وزارت تعاون و رفاه اجتماعی جایشان را به کارکنان دولت داد از کانون عالی بازنشتگان تأمین اجتماعی و این سازمان متولی می‌رود برای تأمین توزیع سبد حمایتی بازنشتگان اقدام‌های عاجل انجام دهند تا کسانی که کمتر از ۳ میلیون تومان در ماه مستمری می‌گیرند، از سبد کالای حمایتی دولت برخوردار شوند.

**داود زکی‌زاده- شهر قدس**
**ضرورت نصب چراغ چشمک‌زن در تقاطع خیابان مصدق**
با توجه به حوادث رانندگی که در خیابان روزنامه اطلاعات، تقاطع خیابان دکتر مصدق (نفت‌جنوبی) روی روده است، ضرورت دارد راهنمایی و رانندگی منطقه در تقاطع یاد شده چراغ چشمک‌زن نصب کند تا از وقوع حوادث تلخ رانندگی برای عابران پیاده پیشگیری به عمل آید.

**از کارکنان روزنامه اطلاعات**
**افزایش ناباورانه قیمت زعفران بر اثر بورس‌بازی!**
در ماه‌های اخیر شاهد رشد ناباورانه قیمت زعفران هستیم که البته به نفع نزار هم ربطی ندارد و دلیل اصلی آن بالا بردن پی‌رویه قیمت زعفران در بورس کالا و بورس بازی و سفته بازی در بازار این محصول پرارزش صادراتی در کارگزاری‌های بورس است که می‌تلمد سازمان بازرسی کل کشور با ورود به موضوع، به کاهش منطقی قیمت زعفران از طریق کنترل عملکرد کارگزاری‌ها اقدام کند.

**علیرضا احمدی**
**نصب پل‌برقی در تمامی ایستگاه‌های مترو!**
با توجه به ناآرامی‌های فنی و کارشناسی شرکت مترو نصب پل‌برقی در تمامی ایستگاه‌های مترو در انتظار نیست که امیدواریم این شرکت خدمتگزار در این زمینه هم با موفقیت عمل کند.

**مسائل از مسئولان سهام عدالت**
مسئولان محترم سهام عدالت لطفا پاسخ دهند کسانی که تاکنون به دلایلی نتوانسته‌اند برای این سهام ثبت‌نام کنند و از برنامه آن جامانده‌اند، چگونه می‌توانند از سهام عدالت برخوردار شوند؟

**یک تقاضا از انتشارات**

















سید رضا ضیایی

نگاهی به بازیگری در تبلیغات تلویزیونی

## بازی برای فروش

جالب است! شاید کسی فکرش را نمی‌کرد که حرفه بازیگری به غیر از صحنه تئاتر و پرده سینما در آگهی‌های بازرگانی تلویزیون هم تجلی‌ و مصداق پیدا کند. البته قاب تلویزیون، پیش از این بازیگری را در ساختارهای تله فیلم یا سریال بازنمایی کرده بود، اما بازیگری در تبلیغات‌های بازرگانی این رسانه مقوله و تجربه تازه و متفاوتی است.

واقعیت این است که اگر سینما و تلویزیون را در مقام رسانه فرض کنیم و سبویه‌های هنری آن را در نظر بگیریم، تبلیغات بازرگانی به عنوان یکی دیگر از وجوه کارکرد رسانه‌ای امروزه، چنان با هنر نمایش و تصویر درهم تنیده شده که شاید بتوان آن را هم نوعی دیگر از روایت سینمایی یا دست کم در ذیل سینمای مستند طبقه بندی کرد.



امروزه متخصصات علوم ارتباطات و تبلیغات، به شدت از هنر نمایش در تولید ایژه‌های تبلیغی بهره می‌برند و اساساً این با ماهیت نمایشی تبلیغات و کارکردهای آن نیز نسبت معنایی نزدیکی دارد. اگر تبلیغات را هنر به نمایش گذاشتن کالاها و خدمات بدانیم، قطعاً سبویه زیبایی شناختی آن با ابزارهای سینمایی پهلوی زده و بر کاربرد تکنیک‌های سینمایی در پردازش‌های تبلیغاتی استفاده‌های زیادی می‌شود.

مبتنی بر این رویکرد، تبلیغات‌های بازرگانی به سمت نوعی ساختار دراماتیک پیش رفته و گاه به یک مستند یا فیلم کوتاه بدل می‌شوند.

بسیاری از تبلیغات‌های بازرگانی شبیه به داستانک‌های تصویری هستند که واجد قصه، تعلیق، شخصیت پردازی و پایان بندی و پیام بوده و در یک شمایل فشرده می‌توان عناصر درام را در آن بازشناسی کرد.

قطعاً یکی از این ابزارهای دراماتیک، حضور افراد یا شخصیت‌های است که به بازی در این تیزرها و تبلیغات‌های تلویزیونی می‌پردازند. برخی از این افراد به واسطه برخی قابلیت‌های فردی، مثلاً نوع چهره یا صدا و گویش خود از قدرت تاثیرگذاری تبلیغی خوبی برخوردار بوده و در واقع واجد نوعی کاربزمای تبلیغاتی هستند.

جالب این که استمرار برخی از این افراد در آگهی‌های مختلف بازرگانی از آگهی‌های مربوط به بانک گرفته تا تبلیغات لوازم خانگی حضور داشته و به تدریج به بازیگر تبلیغاتی بدل می‌شوند؛ یا مثلاً شخصیت تبلیغی ثابت بوده و در تیزرهای مختلفی که یک شرکت واحد، مثلاً یک کارخانه تولید بستنی یا پفک تولید می‌کند، در شمایل و موقعیت‌های گوناگونی حضور می‌یابند.

ادامه در صفحه ۲



یاد باد آن که سر کوی توأم منزل بود  
دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

«حافظ»

نگاهی به آئین اختتامیه اولین جشنواره ملی کارتون و کاریکاتور با موضوع کتاب

## کاریکتاب؛ گره خوردگی کاریکاتور با کتاب

جواد علیزاده، پیشکسوت کاریکاتور تقدیر و قدردانی شد.

جواد علیزاده: کار دستگاه کپی را انجام می‌دادم

در بخش نکوداشت «جواد علیزاده» و بعد از مراسم تجلیل و قدردانی از وی، استاد علیزاده پشت تریبون حاضر شد و در ابتدا گفت: من قیافه ای جدی دارم، اما درونم اینطور نیست. وقتی تصمیمات مهم زندگی‌ام را بررسی می‌کنم،

بخش خصوصی و دولتی به ایرادات بپردازند تا مشکلات مشخص و حل شود و ما در مسیر تعالی قرار بگیریم.

وی ادامه داد: کاریکاتور با همه جذابیت‌ها و لذتبخش بودنش، با انتقاد همراه است و اگر مسئولان دولتی بفهمند که هدف اصلاح و کمک است، بیشتر به آن توجه می‌کنند. وضعیتی که در حال حاضر در دولت و نظام نیز به همین شکل جلو می‌رود و کمتر کسی است که از یک

آئین اختتامیه جشنواره ملی کارتون و کاریکاتور با موضوع کتاب، عصر روزشنبه (۲۶ آبانماه) با حضور نیکنام حسینی‌پور، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب - سعید اوحدی، رئیس سازمان فرهنگی شهرداری تهران - علی‌اصغر کاراندیش، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - حجت‌الاسلام محمدرضا زائری، عضو هیات مدیره مؤسسه خانه کتاب - حجت‌الاسلام محمود دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات - محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای اسلامی شهر تهران - و استادان پیشکسوت کاریکاتوریست و کارتونیست، آقایان: کامبیز درمبخش، جواد علیزاده، احمد عربانی و محسن سلیمانی در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد.

محسن سلیمانی، مدیر فرهنگسرای ارسباران در ابتدای این مراسم، ضمن عرض خیرمقدم به مهمانان حاضر در اختتامیه گفت: از هفته‌های پیش در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، موضوعی مطرح شد تا ما در هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، ارتباط خوبی با نهادهای مربوطه و مؤسسه خانه کتاب داشته باشیم؛ اما این مراسم به طور کامل از سوی مؤسسه خانه کتاب در حال برگزاری است و ما تنها میزبان مراسم اختتامیه هستیم.

کاریکاتوریست‌ها تلاش می‌کنند جامعه را اصلاح کنند

در ادامه این مراسم، «علی‌اصغر کاراندیش» معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره این برنامه گفت: خوشحالم که در مراسم اختتامیه نخستین جشنواره کارتون و کاریکاتور کتاب هستم. جشنواره‌ای که برای عزیزی برگزار شده که به سمت اصلاح می‌روند و طبیعی است که تمام تلاش‌های این دوستان در این راستا انجام می‌شود تا ما به سمتی برویم که بتوانیم نقاط ضعف و ایرادات را مطرح و به فکر راه‌حل آن باشیم. در این موضوع باید

انتقاد طنز ناراحت شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در همین راستا تلاش کرد تا در حوزه فرهنگ و هنر، رسانه دیجیتال و همه حوزه‌های مربوطه این نگاه را حاکم کند.

این مسئول فرهنگی با اشاره به اقدامات انجام شده اظهار کرد: هم از لحاظ اصلاح امور کوتاه مدت و هم اصلاح امور بلندمدت، اقدامات بسیار خوبی انجام شده است و اعتباراتی نیز به این حوزه اختصاص یافته؛ اما کافی نیست. ما امیدواریم که در آینده‌ای نزدیک شاهد بهبود اوضاع باشیم.

در ادامه این مراسم با حضور شخصیت‌های حاضر در مراسم از سال‌ها فعالیت و تلاش



متوجه برخی از این انتخاب‌ها می‌شوم که گاه عجیب هم است. من در دوران سربازی به دلیل صاف بودن کف پا از رژه معاف بودم، اما گاهی وقت‌ها به دلیل تحمل فضای پادگان با بچه‌ها فوتبال بازی می‌کردم. در آن زمان بچه‌ها با کنایه به من می‌گفتند که اگر کف پای تو صاف است، پس چطور اینقدر خوب فوتبال بازی می‌کنی؟! بعد از شنیدن این موارد، به سراغ فرماندهان رفتم و گفتم که می‌خواهم رژه بروم. او گفت به دلیل این مشکل جسمانی، بعدها به مشکل خواهی خورد؛ اما من گوش نکردم و در رژه‌ها حضور پیدا کردم و الان نتیجه آن اقدامات را می‌بینم.

ادامه در صفحه ۴

گفتگو با «بهمن پناهی»؛ خوشنویس، موسیقیدان و پژوهشگر هنر

## خلق آثار خوشنویسی در پاریس



به دنیا بیایم. خانواده پرجمعیتی بودیم و از میان ۹ خواهر و برادر، من بچه‌ی یکی مانده به آخر بودم. برادران بزرگترم در رشته‌های مختلف هنری فعالیت می‌کردند. آنها در سطح حرفه‌ای خوشنویسی می‌کردند، به موسیقی می‌پرداختند، به طور جدی تئاتر کار می‌کردند و همینطور نقاشی می‌کشیدند. به همین خاطر من از سن چهارپنج سالگی با این هنرها آشنا و بزرگ شدم، ضمن اینکه پدر و مادرم هم خیلی مشوقم بودند.

ادامه در صفحه ۵

اشاره: حدوداً دو ماه می‌شد که از فرانسه به ایران آمده بودم. وقتی قرار گفتم و گو را با او گذاشتم، اصرار داشت که سؤالات از حد معمول گفتگوها فراتر رود و چالش برانگیز باشد. اما با این حال، اوایل گفتگو برای آشنایی بیشتر خوانندگان با این هنرمند، به طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های معمول گذشت. در بخش نخست این مصاحبه با «بهمن پناهی»، سرگذشت و فعالیت‌هایش بیشتر آشنا می‌شویم. در بخش بعدی اما دغدغه‌ها و نکات قابل تأمل پاسخ‌های وی را درباره موسیقی، خوشنویسی و ارتباط میان این دو هنر خواهیم خواند.

لطفاً کمی از خودتان بگوئید؟

من متولد ۱۳۴۶ در بهشهر هستم و این شانس را داشتم که در خانواده‌ای اهل فرهنگ و هنر



نگاهی به دو مجموعه داستان کوتاه از الهه برزگر

## بغض خاموشی که فریاد می‌شود



محمدرضا خدایزاده

اونقدر هوامو داشت، اونقدر هوای این زندگی که به خوب بودنای مادرم زندگی شده بود رو داشت که هیچ وقت احساس نکردم با بقیه آدما فرق می‌کنم. یک روز غروب اتفاقی افتاد که سرنوشت خیلیا رو تغییر داد. کارخونه به دلیل نامعلومی برای همیشه تعطیل شد و پدرم بیکار. پدرم مرد زحمتکشی بود. همیشه چیزای مختلف برام می‌خرید، توپ، عروسک، روسری و الا ماشالا... پدرم تمام بارم بود.

دو روز بعد وقتی مادرم از زمین شالی برگشت، نامه‌ای می‌بینم روی طاق که پدر نوشته بود. گفته بودمیره شهر کار پیدا کنه. کار کنه و پولشو بفرسته واسه‌ی ما... اون شب سر نماز مادرم گریه کرد. اونم جلوی من. برای اولین بار با بهت پرسیدم: چی شده مامان؟ گفت: بابات رفت شهر. رفت واسه‌ی ما کار کنه.

اما ته این گریه، لبخند دیدم. لبخند دیدم و لبخند زدم. روزها تبدیل شد به هفته‌ها و ماه‌ها اما از پدرم خبری نشده بود. نگران و آشفته بودیم که نکنه اتفاقی براش افتاده باشه.

الان که چهل پنجاه سالمه، هنوز درد دارم. دردی که طیبب نداره. مادرم وقتی ۲۲ سالم شد مرد و من شدم دختر سرنوشت. نمی‌دونم الان پدرم چیکار می‌کنه... در داستان «مثل هیچکس» که برنده رتبه اول جشنواره داستانی «بغض خاموش» شده

است می‌خوانیم:

من مثل هیچکس نیستم. غروب آفتاب برای من بر خلاف آدم‌های دیگر نه غم انگیز است، نه مرا دل تنگ کسی می‌کند. غروب برای من یعنی سکوتی که شاید لحظه‌ای آرامش برایم بیاورد.

سقف خانه من نه سفید است و نه لوسته‌های پر زرق و برقی دارد. آدم‌های این چهار دیواری هم نه قشنگ لباس می‌پوشند و نه مهرباند. آدم‌های اینجا گم شده‌اند. خودشان هم نمی‌دانند کجا.

صدای زمختی مرا از افکارم بیرون می‌کشد. با عصبانیت می‌گوید: «پرستش بده به من اون پول‌هارو». عکس العملی از خودم نشان نمی‌دهم و این عصبی ترش می‌کند. این بار فریاد می‌زند: «بده دیگه». و تمامشان را از دستم می‌قاپد.

پوزخندی می‌زند و می‌رود سراغ بچه‌های دیگر. من به این وضع عادت کرده‌ام. به در و دیوار این آلونک که نگاه می‌کنم بیشتر شبیه خانه متروکه‌ای است که برایش پرده و در نصب کرده باشند. من و دخترهای دیگر اینجا زندگی می‌کنیم. اینجا کسی بد اخلاق نیست. زیراهمه دخترهایمانند که جز همدیگر کسی را نداریم.

«بانو» دختری است که پس از مرگ والدینش، عمه‌های او را به جمشیدخان فروخته‌اند، او تنها دوست من است. همه جا با هم هستیم. من برای چیز دیگری به طرز پنهانی پول جمع می‌کنم و او برای آزادی‌اش. دروغ گفته‌اند که عصر برده داری به اتمام رسیده. اینجا در این تکه دنیا، هنوز هم برده می‌برند...

در داستان کوتاه «یک روز برای ابد» از کتاب «از جایی که تویی» می‌خوانیم: بعد از ظهر یکی از روزهای سرد پاییزی بود که برای قدم زدن به پارک بزرگ و سرسبز شهرمان رفته بودم. کاری که اغلب انجام می‌دادم...

اهل شمالم اما مدت‌هاست پاگیر توس شدم. پاگیر مشهد. پاگیر حرم. بعد از اون ماجرا او مدم مشهد و قسمت، به خونه قدیمی با حوض و باغچه‌ای شد که مالکان جوانش قصد داشتن بکوبن، اما من خریدمش. موندگار شدم. خیلی وقته که موندگار شدم. چیزی که خونه کرسی بلندمو به حیاط نقلی ام وصل می‌کنه، سه تا پله است که پرش کردم از شمع‌دون. قشنگیاش به کنار، پرش کردم از شمع‌دونی تا بی زرق و برق بودن پله رو به روش نیارم.

همین که آب پاش قرمز و دست گرفتم تا به باغچه آب بدم، یه کبوتر شکسته بال افتاد توی حوض و چیزی که این لحظه تمام من رو احاطه کرد، سکوت پر تشویشی است که نمی‌فهمم نفهمیدن یه کبوتر کوچیک از کجا آب می‌خوره.

به خودم او مدم و آبپاشو زمین گذاشتم و برش داشتم بردم روی ایوان. بالشو باند پیچی کردم و با یه کاسه آب و دون گذاشتمش روی طاق توی اتاقم.

به چشم‌ماش که نگاه می‌کنم، حس عمیقی توی وجودم شکل می‌گیره. چشم‌ماش... چشم‌های این کبوتر یه حال خاصیه. حالی که هیچ جا ندیدم و اگر همچین چیزی رو توی یه آدم ببینم، حتما می‌پرسم تو کی هستی؟ اما دارم با خودم فکر می‌کنم پرسیدن همچین سؤالی از یه کبوتر، چقدر می‌تونه درست باشه؟

نشستم پای بافتنیام. کلاه دختر اقدس خانمو باید تموم کنم تا پولشو بهم بده. اولش اصرار کرد و دارم. خودم قبول نکردم. گفتم بزار آخر کار. اگه زنده بودیم که فبها! اگه هم نه، جای من خیرات کن....

###

دو مجموعه داستان با نام‌های «آرامش آنجاست که دل آنجا باشد» و «از جایی که تویی» نوشته «الهه برزگر» به بازار کتاب آمده است. این نویسنده که متولد فروردین ۱۳۷۲ است، از کودکی به نوشتن علاقه داشت و در دوران تحصیل با جدیت آن را دنبال کرد و با شرکت در مسابقات داستان نویسی مدرسه و کسب رتبه نخست، نویسندگی را با همه وجود ادامه داد تا اینکه با نوشتن و انتشار مجموعه داستان‌هایش توانست به رؤیای کودکی‌اش برسد.

کتاب «آرامش آنجاست که دل آنجا باشد» دارای ۱۰ داستان کوتاه و کتاب «از جایی که تویی» هم دارای هفت داستان کوتاه است. در اینجا ادامه داستان کوتاه «مرغ امین» که دو سال پیاپی برنده رتبه اول مسابقات داستانی استان گیلان شده است را می‌خوانیم:

به همه مشتریها همینو میگم. رسممه. آیینمه. نمی‌دونم چرا اما دلم می‌خواد از اون قصه بگم. واسه یه کبوتر... یه خانواده سه نفره بودیم توی یه روستای کوچیک که همه از زندگی هم خبر داشتن. اون موقع‌ها پدرم یه کارگر ساده توی کارخونه جای بود. نون بخور نمیری در می‌آورد، اما باز خدا رو شکر می‌کردیم.

مادرم زن بزرگی بود. مثل همه مادر. اما مادر من یه فرق بزرگ داشت. مادر من بود. مادر دختری که دست راستش فلج مادرزا بود. هیچ وقت معلولیتمو به روم نیاورد. اجازه هم نداد هیچکس حرفی بزنه که ناراحت بشم از این فلج بودنم.

بقیه از صفحه اول

## بازی برای فروش



مثلاً سالها پیش یک مرد چاقی که صورت بامزه و کمکی

با دکتر دینانی در جهان مولانا

۸



## کیمیای عشق

گفتگو از: کریم فیضی

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهان «وصل و فصل»، «نزدیکی و دوری»، «دوستی و دشمنی»، «سفیدی و سیاهی» و انواع تضادهای دیگر است. عالم فصل، صورت عالم وصل شناخته می‌شود و عالم وصل، حقیقت عالم فصل به شمار می‌آید.

خداوند تبارک و تعالی جامع همه امور است و در عین حال تفرقه میان اشیاء نیز از او ناشی می‌شود. نفس و بدن انسان به یک اعتبار متحد و یگانه شناخته می‌شوند؛ ولی در عین حال، «روح»، «جسم» نیست چنانکه «جسم» نیز «روح» به شمار نمی‌آید. «لفظ» و «معنی» به یکدیگر وابسته و پیوسته‌اند، با این همه «لفظ» غیر از «معنی» بوده و «معنی» نیز همان لفظ شناخته نمی‌شود. انسان موجودی است که از مقام جمع و یگانگی برخوردار است و همه امور متعدد و مختلفی که مورد ادراک و شناسایی او واقع می‌شوند، به وجود واحد بسیط در آگاهی او حضور دارند.

آنچه مورد ادراک انسان قرار می‌گیرد، در خواب و بیداری از او جدا و منفک نمی‌شود و همواره در خزانه آگاهی‌اش باقی می‌ماند. بشر نه تنها به امور جهان آگاهی پیدا می‌کند، بلکه از این جهان نیز پیشی می‌جوید و در جستجوی فهم عالمی فراتر از این جهان برمی‌آید. او به همان اندازه که می‌تواند به همه امور آگاهی پیدا کند و آنها را از آن خود سازد، از این توانایی نیز برخوردار است که از خود تهی شود و در این بیرون شدگی، خود را ببیند. فاصله میان همه چیز را در اثر آگاهی از خود کردن و از خود تهی شدن، فاصله‌ای دراز و شگفت‌انگیز است این فاصله جز در وجود انسان در هیچ موجود دیگری تحقق نمی‌پذیرد و به همین جهت، می‌توان ادعا کرد که آن گونه دگرگونی و تحولی که در انسان پیدا می‌شود، هرگز در عالم طبیعت امکان تحقق پیدا نمی‌کند.

جلال‌الدین مولوی بلخی از جمله کسانی است که تحول‌های بزرگی را تجربه کرده و در اثر این تحولات به خلق جهانی نو و اندیشه‌هایی بدیع پرداخته است. اندیشه‌هایی که مولوی به آنها دست یافته، بکر و بی‌سابقه است و هر انسان صاحب‌نظر و اهل دلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنچه در آثار مولوی آمده، کهنه و فرسوده نمی‌شود و پیوسته نو و تازه به شمار می‌آید.

اما در کتابی که هم‌اکنون به دستداران حکمت و معنا تقدیم می‌شود، بخشی از سروده‌های تازه و جان‌پرور و حکیمانه مولانا جلال‌الدین بلخی را با همکاری دوست عزیزم جناب آقای کریم فیضی مورد تفسیر قرار داده‌ایم که امیدوارم مورد توجه طالبان این معانی قرار بگیرد.

جناب آقای فیضی، حدود دو سال قبل، بعد از اتمام بحث «گلشن راز» اثر شیخ محمود شبستری، پیشنهاد کردند که «منطق‌الطیر» فریدالدین عطار را بحث کنیم. بعد از مدتی قرار شد که «رباعیات مولانا» را به روال مباحث قبلمان مورد بحث و مذاکره قرار دهیم که مورد موافقت من قرار گرفت و کار از طرف ایشان ادامه پیدا کرد. در اواسط کار که با مقداری تأخیر همراه بود، ایشان پیشنهاد کرد که ابیات نخستین «مثنوی»؛ یعنی «نی‌نامه» را هم به همین شیوه مورد بحث قرار دهیم تا این دو بحث و گفتگو، در یک جلد به خوانندگان این آثار تقدیم شود که با نام زیبای «کیمیای عشق» که حاصل ذوق سرشار ادبی جناب آقای فیضی است، هم‌اکنون جامه طبع می‌پوشد.

با سپاس و قدردانی از جناب آقای فیضی که نویسنده‌ای فاضل و پرتلاش و صاحب سبک است، این کتاب را به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنم و امیدوارم در آن به دیده اغماض بنگرند و ما را از انتقادات سازنده خودشان محروم نکنند. تلاش انجام گرفته، گام‌هایی است برای ورود به جهان عشق و شناخت عالم معنا و کشف ناگفته‌هایی که برای صعود به مراتب بالای معرفت و حقیقت ضرورت دارد.

غلامحسین ابراهیمی دینانی

بهمن ۱۳۹۳

ادامه دارد





دلنوشته‌های آهان آهان‌دار

محبوب صالح علا

۵۲

## هر طرف، شما را می‌بینم

من می‌دانم در این دنیا چه کار دارم. من به دنیا آمده‌ام که شما را دوست داشته باشم. چنان که جوچه مرغابی همیشه که سر از تخم در می‌آورد، بدوید و می‌دود، من هم بدوید و به سمت شما دویده‌ام.

**محبوب من!** برخی از واژه‌ها زیباتر از دیگر واژه‌هاست. برخی از نام‌ها زیباتر از دیگر نام‌هاست. زیباترین واژه با هم بودن است. زیباترین نام‌ها، نام سرزمین ماست. هر چیزی مزه‌ای دارد و خوشمزه‌ترین چیزها با هم بودن است. آن را مقایسه کنید با مزه تنهایی، با مزه تشنگی، گرسنگی، با مزه تنگدستی، بی‌قراری و بی‌کسی.



**محبوب من!** من چیزی را درباره خود می‌دانم که کسی نمی‌داند. چیزی می‌دانم که می‌خواهم تنها به شما بگویم. اما نه به همین آسانی دلم می‌خواهد برای گفتنش شما به اصرار کنید. اگر خیلی اصرار کنید، خیلی اصرار کنید، آن را به شما خواهم گفت. درونمایه آن رازها دل‌تنگی و دوست داشتن و مانند اینهاست.

**محبوب من!** امروز همه نوشته‌ها و ترانه‌هایم را برداشتم برای شما تا زدم. همه کاغذنوشته‌هایم آریگامی شد. آریگامی به ژاپنی هندسه تازدن کاغذهاست من همه کاغذهایم را تازدم. کبوتر کردم و به آسمانی که سمت شماست پراندم.

دنایای عاشق‌ها دنیایی جورچین شده است. پازلی است که عاشق خود می‌سازد؛ آسمان، دشت، رودخانه، پرند، درخت‌های کاج و ماهی در آن بالا، آرمان‌شهر عاشق جورچین است. همین که یاد شما به این شهر می‌رسد، ناگهان دنیا به هم می‌ریزد، آسمان روی ماه می‌افتد، رودخانه تکه تکه می‌شود و آبادی عاشق ویرانی می‌شود.

**محبوب من!** برگردیم به فردا شاید آنجا رنجی نباشد مثل دیروز، مثل امروز.

**محبوب من!** وقتی شما را می‌بینم در آن کوچکی قدیمی با جوانی من قدم می‌زنید، دلم می‌گیرد، بغض می‌کنم. می‌گویم نگاه کن محبوب من به من بی‌اعتنا شده است. مرا نمی‌بیند. اما هر روز عصر در آن کوچکی قدیمی با جوانی من است. با هم قدم می‌زنند، حرف می‌زنند، می‌خندند.

از دور شما را می‌بینم کنار جوانی من روی نیمکت پارک سعی نشسته‌اید، به هر طرف که نگاه می‌کنم، شما را می‌بینم. می‌بینم هوا سرد است. جوانی من کتش را در می‌آورد و روی شانه شما می‌اندازد. **ادامه دارد**

معرفی مجموعه شعر «راویان مویه‌های زاگرس»/ محمد افندیده، محمد نیازی، آریا معصومی /فصل پنجم/ ۹۷



اکبر اکسیر |

## وای از این همه صدا!

حدیث سنگ و تفنگ و آه مادران شهیدان و دردهای مردم کهنسالی است که به قدمت درختان بلوط تاریخ دارند. این مجموعه با تمام کم سن و سالی، نمودار شعر جوان زاگرس است. شعری مقاوم، حماسی و



پراحساس.

افندیده با این مجموعه، سه قطره از خون گرم شاعران منطقه را در رگ شعر امروز ایران جاری ساخته تا ثابت کند که بدون حمایت مسئولین در مناطق محروم هم می‌توان ریشه در سنگ داشت و روئید. سپس از فصل پنجم که با انتشار این مجموعه، حق خود را در معرفی شعر جوان ادا نموده است، به بخشی از شعر شماره ۴ محمد افندیده توجه فرمائید:

\* پز شک می‌گفت: با دیدن عکس‌های رادیولوژی قلبت/یاد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

مروری بر زندگی و آثار فریدون فروغی - بخش نخست

## یک نفر میاد که من منتظر دیدنش...

دهانم می‌پرید و یک چیزهایی که آنها خوششان نمی‌آمد، می‌گفتم برای همین هر روز محدود ترم کردند.

البته نویسنده ای به نام یوسف یزدانی در کتابی درباره فریدون فروغی به نام «خفته در تنگنا» علت دیگر تحت فشار قرار گرفتن فریدون فروغی را این طور توضیح داده و نوشته است:

«در همین ایام، در شمال جشن شاهنشاهی برگزار می‌شود و خوانندگان برای شرکت در جشن به شمال می‌روند. فروغی هم دعوت می‌شود. در همین ایام در شبی که قرار بوده به اجرای ترانه بپردازد، گیتارش را بر می‌دارد و به همراه دوستانش می‌رود ساحل دریا و برای خودشان می‌زنند و می‌خوانند.

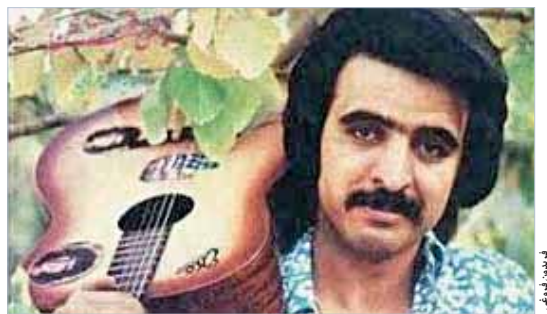
ساعت ده و نیم شب، ساواک پیدایش می‌کند و به مجلس جشن می‌برد. نوبت به فروغی می‌رسد، رهبر ارکستر از او می‌پرسد: «چه آهنگی می‌خواهی؟» فروغی می‌گوید: «نیازی نیست» او گیتارش می‌رود جلو. بر خلاف بقیه بی‌آنکه به شاه تعظیم کند، با تکان دادن سر، شروع می‌کند به ساز زدن و آواز خواندن:

یک نفر میاد که من منتظر دیدنش...

یک نفر میاد که من تشنه بوییدنش کتاب «خفته در تنگنا» که در برگیرنده زندگینامه فریدون فروغی خواننده آن روزگار است، در دیماه ۱۳۹۴ توسط نشر ثالث در ۲۰۴ صفحه منتشر شده است و در دسترس عموم قرار دارد (این هم تبلیغی مفت برای این کتاب).

**و اما فریدون فروغی که بود؟**

فریدون فروغی خواننده‌ای که از سال ۱۳۶۰ اجازه فعالیت نیافته بود، در حالی در ۱۳ مهر ۱۳۸۰ درگذشت که ترانه‌های او هنوز بر سر زبان نسل‌های



فریدون فروغی

روز سیزدهم مهر ۱۳۸۰ که خبر درگذشت فریدون فروغی، خواننده جاز سال‌های قبل از انقلاب، در رسانه‌ها منتشر شد، برخی نشریات و رسانه‌ها از دق‌مرگ شدنش سخن به میان آوردند و برخی هم او را «علی خوشدست» فیلم تنگنای امیر نادری لقب دادند. «علی خوشدست» بیلیارد بازیود در فیلم که حق خودش را از اکسانی که در بازی بیلیارد به او باخته بودند، به زور گرفت و برای رسیدن به حشش جانش را فدا کرد، اما حشش را نبخشید.

نقش «علی خوش دست» را سعید راد بر عهده داشت و به خاطر آن، جایزه بهترین بازیگر فستیوال فیلم سپاس قبل از انقلاب را به دست آورد و فریدون فروغی که ترانه تنگنا را برای این فیلم خوانده بود، به خاطر اظهار نظرش در باره نقش «علی خوشدست» مورد غضب ساواک قرار گرفت.

در گفتگوی مختصری که با او در استریو طنین صدا (متعلق به عماد رام)، در بهار سال ۱۳۵۸ داشتیم، او در این باره به من گفت که: من در جایی گفته بودم ما همه برای گرفتن حقمان باید علی خوشدست باشیم و به این خاطر مرا احضار کردند به ساواک و در این باره به من تهدید کردند که از این حرف‌های مفت تحریک کننده روی سن نزنم. من هم تعهد دادم ولی بازم از



نگاهی به آئین اختتامیه اولین جشنواره ملی کارتون و کاریکاتور با موضوع کتاب

## کاریکتاب؛ گره خوردگی کاریکاتور با کتاب

پایان مهلت ارسال آثار اعلام شد.

وی ادامه داد: کتاب، موضوعی عام است که بارها هنرمندان رشته‌های مختلف با آن طبع آزمایی کرده و آثار پرشماری را خلق کرده‌اند. به‌ویژه کارتون‌نویست‌های سراسر جهان با این موضوع آثار بسیاری خلق و عرضه کرده‌اند. از این رو یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌هایمان ارائه کمی و کیفی کارتون‌هایی با این مضمون بود.

حیدری با اشاره به استقبال از این جشنواره گفت: پس از گذشت مدت کمی از انتشار فراخوان با استقبال قابل توجهی از سوسی علاقه‌مندان در سراسر کشور مواجه شدیم. ۱۸۴ هنرمند از سراسر ایران طرح‌های خود را ارسال کردند و در مجموع ۳۹۳ اثر کارتون به دبیرخانه اولین مسابقه ملی کارتون و کاریکاتور کتاب رسیده و ثبت شد. هنرمندانی که آثارشان به دبیرخانه رسید از تنوع سنی قابل توجهی برخوردار بودند. به‌طوری که از نوجوان ۱۳ ساله تا هنرمند ۶۶ ساله در این مسابقه شرکت کردند.

وی ادامه داد: استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، اصفهان، آذربایجان شرقی، تهران، فارس، اراک، ایلام، کرمانشاه و مرکزی بیشترین هنرمندان حاضر در این مسابقه را داشتند. یکی دیگر از نکته‌های قابل توجه در این جریان فرهنگی و هنری حضور برابر هنرمندان زن و مرد بود؛ به‌طوری که ۹۲ کارتون‌نویست زن و ۹۲ کارتون‌نویست مرد در این مسابقه شرکت کردند که در جای خود ارزشمند و چشمگیر است.

این کاریکاتورنویست با اشاره به داوری آثار گفت: با پایان یافتن مهلت ارسال آثار جلسه، داوری با حضور داوران برگزار شد و پس از بررسی موشکافانه از میان هنرمندان شرکت‌کننده آثار ۳۸ هنرمند و در مجموع ۵۸ کارتون به مرحله دوم راه یافت و از آن میان، آثار ۳ هنرمند حائز رتبه‌های اول تا سوم شدند. و سه هنرمند نیز شایسته تقدیر شناخته شدند. در کنار آثار راه‌یافته به مرحله دوم مسابقه، مؤسسه خانه‌کتاب نیز وجود ۴۰ کارتون خارج از بخش مسابقه از برخی کارتون‌نویست‌های فعال ایرانی خریداری کرده که همگی در کتاب موردنظر منتشر شدند.



وی در پایان گفت: از ابتدای این حرکت، تمام تلاش من به‌عنوان دبیر مسابقه، مدیریت محترم و عزیزان مؤسسه خانه‌کتاب، بر برنامه‌ریزی دقیق و منظم در تمام مراحل برگزاری و انجام این رویداد فرهنگی و هنری بوده است. امیدوارم این تجربه گرانسنگ در سال‌های آینده نیز تکرار شود تا از این رهگذر افزایش فرهنگ کتابخوانی در ایران عزیزمان حاصل شود.

در انتهای این مراسم نیز از کتاب «کاریکتاب» رونمایی شد. این کتاب شامل تمامی آثاری است که از طرف هیأت داوران این مسابقه، برای نمایش و انتشار در این نمایشگاه انتخاب شده‌اند. همچنین با حضور چهره‌های حاضر بعد از مراسم اختتامیه، گالری این کاریکاتورها افتتاح شد.

گفتنی است که اجرای مراسم فوق‌الذکر را مجری و نویسنده طنزپرداز «رضا رفیع» برعهده داشت که به قول هادی حیدری، دبیر جشنواره‌ها و این برنامه را با مهارت بسیار اجرا کرد و فضای مراسم را شیرین و خاطره‌انگیز کرد. به امید برگزاری دومین جشنواره ملی کارتون و کاریکاتور در سال آینده، به هر موضوعی که شد!

را نکنم. به‌هرحال من با ماشینی که فرستادند به مراسم آمدم؛ اما وقتی که مراسم تمام شد، کسی نبود تا من را به خانه برساند. به همین دلیل مجبور شدم که مسافت زیادی را پیاده بروم. این را گفتم تا بگویم که بعضی وقت‌ها برخورد با اهالی فرهنگ به این شکل است.

**کارهای عزیزانه شبیه یک شهر توریستی می‌ماند**

در ادامه مراسم، «سوشیانس شجاعی فر» طنزنویس، در توضیح آثار عزیزانه گفت: کارهای استاد عزیزانه، بیشتر شبیه به یک شهر توریستی است. وقتی به آثار وی می‌رسیم، فرض می‌کنیم که به اصفهان، شیراز یا پاریس سفر کرده‌ایم. همه‌چیز این شهر برای ما جذاب خواهد بود. کارهای او طیف وسیعی از موضوعات و فضاها و المان‌ها را شامل می‌شود. به همین دلیل برای من تا به امروز این مجموعه کارها لذت یک شهر توریستی را داشته است. کاریکاتورهای استاد عزیزانه حتی اگر مصرفی و روزنامه‌ای هم باشد یا اینکه طرح‌های عمیق و شخصی، بی‌نظیر هستند و در ذهن جلوه می‌کند.

وی با اشاره به دوره‌ای از درگیری‌های کاریکاتورنویست‌ها گفت: زمانی که جنگی بین کاریکاتور هنری و مطبوعاتی بود، عزیزانه وسط این دعوا قرار گرفت و از هر دو طرف دفاع کرد. او تأثیر عمیقی روی نسل بعد از خودش داشته است و امیدوارم که ما نیز بتوانیم در آینده، همان‌گونه که او الگوی مناسبی برای کاریکاتورنویست‌های بعد از خودش بوده است، برای نسل‌های بعدی باشیم.



در ادامه، حجت‌الاسلام دعایی به خاطره دیدار مرحوم گل‌آقا با حضرت امام خمینی اشاره کرد و گفت که برای وی خیلی مهم بوده است که در کنار مردم، کارهایش مورد تأیید حضرت امام باشد.

**تیزی قلم کارتون‌نویست‌ها همچون چاقوی جراحی به قصد بهبود است**

آخرین سخنران این نشست، «هادی حیدری»، دبیر جشنواره بود که در صحبت‌های خود با اشاره به نقش کاریکاتور در دنیای امروز گفت: کارتون و کاریکاتور، هنر گفت‌وگوست. هنر پیوند فرهنگ‌ها و زبان‌هاست. هنر انتقال ظریف اندیشه برای گشودن پنجره ارتباط است. کاریکاتورنویست‌ها، این هنرمندان بی‌ادعا و صادق، همواره در تلاشند تا از رهگذر نقد دلسوزانه جهت اصلاح امور راهی به ذهن و جان مخاطب باز کنند تا از رهگذر این مفاهیم، جهانی‌تر و قابل تحمل‌تر بسازند.

وی ادامه داد: چه خوش‌بخت اند جوامع توسعه‌یافته‌ای که حضور هنرمندان کاریکاتورنویست، این سفیران گفت‌وگو و این خیرخواهان دلسوز را غنیمت شمرده و بستر لازم جهت فعالیت آنان را فراهم می‌کنند. دبیرنخستین دوره جشنواره کارتون و کاریکاتور با موضوع کتاب (کاریکتاب) با اشاره به اهمیت نقد گفت: باور کنید تیزی قلم نقاد کارتون‌نویست‌ها همچون چاقوی جراحی به قصد بهبود اوضاع به کار گرفته می‌شود. پس با نگاهی مهربانانه به این هنرمندان عاشق ایران بنگرید و تکرر نگاه و اندیشه آنان را به رسمیت بشناسید.

هادی حیدری با اشاره به چگونگی شکل‌گیری مسابقه کارتون و کتاب گفت: اندیشه برگزاری مسابقه ملی کارتون و کاریکاتور به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بهار امسال به پیشنهاد مدیرعامل خانه‌کتاب شکل گرفت. با حمایت و پشتیبانی وی و طی جلسات برنامه‌ریزی فراخوان این مسابقه در ماه مرداد منتشر شد و با یک مرحله تمدید دهم همراه به عنوان

بقیه از صفحه اول

وی ادامه داد: من پس از قبولی در آزمون‌های ورودی یک سازمان با حقوق ماهی ۷ هزار تومان که معادل هزار دلار بود، به روزنامه کیهان رفتم. در آن زمان، روزنامه کیهان به من چهار هزار تومان حقوق می‌داد. به کیهان رفتم، اما بعد از دو‌سال شغلم را از دست دادم. در آن دوران، من به شعار نه شرقی، نه غربی اعتقاد عجیبی داشتم و آن را در طرح‌هایم استفاده می‌کردم. در آن زمان روشنفکران طرفدار شوروی بودند؛ اما من خلاف جریان شنا می‌کردم و بی‌طرف بودم و سر همین موضوع شغلم را از دست دادم.



این کاریکاتورنویست در توضیح نگاهش به یک انسان چپ اظهار کرد: به نظر من چپ به کسی گفته می‌شود که منافع کشورش را به منافع خودش ترجیح دهد. من همیشه این نگاه را سرلوحه زندگی‌ام قرار دادم و خیلی وقت‌ها ضرر کردم. من در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری به شخصی رای دادم که باعث اخراج من از روزنامه شد؛ چراکه نفع کشور از اتفاقاتی که برایم رخ داده بود، مهمتر بود.

وی با اشاره به وضعیت مجله «طنز و کاریکاتور» خود گفت: الان چند سالی است که مجله‌ام را بدون آگهی منتشر می‌کنم که شاید خیلی‌ها حاضر به چنین کاری نباشند. در دوره‌ای به من می‌گفتند که به دلیل شرایط کشور باید طرح‌ها در دفتر ارشاد بماند و بعد در مورد آن تصمیم بگیرند؛ اما من نمی‌خواستم طرح‌های اصلی را به آنها بدهم؛ بنابراین باید کپی کارها را به آنها می‌دادم. اما در آن شرایط دهه ۶۰ واحدهایی که کار کپی انجام می‌دادند، کاریکاتور را کپی نمی‌کردند و می‌گفتند که به نامه وزارت ارشاد نیاز است. از آن طرف، وزارت ارشاد هم برای کاری که مجوز نگرفته، نامه‌ای صادر نمی‌کرد. به همین دلیل مجبور بودم که خودم دوباره کار را بکشم و کار دستگاه فتوکپی را انجام دهم.

عزیزانه در ادامه با ذکر خاطره‌ای گفت: در همان سال‌ها کتاب «کاریکاتور جدی» را در تیراژ ۲۰ هزار نسخه چاپ کردم که ۱۰ هزار نسخه آن برای تهران و ۱۰ هزار نسخه آن برای شهرستان‌ها ارسال شد. تیراژ کتاب در آن سال‌ها در همین شمارگان بود؛ اما در کمال ناباوری ۸ هزار نسخه برگشت خورد و ناشر به من گفت که: «اگر دنبال تسویه حساب هستی، باید کتاب‌ها را از انبار ببری!» به همین دلیل وانت گرفتم و کتاب‌ها را به انبار خانه مادر بزرگم بردم. در آن زمان دایی من تاجر چرم بود و وسایلش را به خانه مادرش می‌آورد و از آنجا پخش می‌کرد و درآمد خوبی داشت. مادر بزرگم با دیدن کتاب‌های من، تصور کرد که کار من هم رونق گرفته و به همین دلیل کتاب‌ها را به آنجا بردم. در آن روز، من کتاب‌ها را به انبار می‌بردم و زیر لب فحش می‌دادم، اما مادر بزرگم که تصور می‌کرد کارم رونق پیدا کرده است، بلند بلند می‌گفت ماشاءالله ماشاءالله!

این پیشکسوت کاریکاتور با گلایه از برخی نامهربانی‌ها گفت: در سال ۹۲ قرار بود که به‌عنوان مفاخر فرهنگی کشور از من تقدیر کنند. در همین راستا به من گفتند که برای ماشین می‌فرستیم تا به مراسم جشن بروم؛ اما من گفتم که با وسیله شخصی به مراسم می‌آیم که دوستان اصرار داشتند که این کار



دوستانی بهتر از آب روان

کتابخانه و مطبعه



دکتر حبیب‌الله صناعتی

در شعر دیگر با عنوان «رو به غروب»: شاخه‌ها پژمرده است سنگ‌ها افسرده است رود می‌نالد جغد می‌خواند غم بیامیخته با رنگ غروب می‌تراود ز لبم قصه سرد دلم افسرده در این تنگ غروب در شعر دیگر با عنوان «غمی غمناک»: شب سردی است و من افسرده راه دوری است و پایی خسته تیرگی هست و چراغی مرده مثل این است که شب نمناک است دیگران را هم غم هست به دل غم من، لبک، غمی غمناک است در شعر دیگر با عنوان «جان گرفته»: رنگی کنار این شب بی‌مرز مرده است در شعر دیگر با عنوان «خراب»: فرسود پای خود را چشمم به راه دور تا حرف من آخر پذیرد که: زندگی رنگ خیال بر رخ تصویر خواب بود. آبادی‌ام ملول شد از صحبت زوال بانگ سرور در دلم افسرد، کز نخست تصویر جغد زیب تن این خراب بود. و در شعری دیگر با عنوان «وهم» می‌گوید: جهان آلوده خواب است

فرو بسته است وحشت در به روی هر تپش، هر بانگ چه دیگر طرح می‌ریزد فریب زیست در این خلوت که حیرت نقش دیوار است؟ و در آخرین شعر این کتاب، با عنوان «سرود زهر»: می‌مکم سستاب شب را وز پی رنگی به افسون تن نیالوده چشم پر خاستگش را با نگاه خویش می‌کاوم او نمی‌داند که روییده است هستی پربار من در منجلاب زهر و نمی‌داند که من در زهر می‌شویم پیکر هر گریه، هر خنده، در نم زهر است کرم فکر من زنده، در زمین زهر می‌روید گیاه تلخ شعر من چنان که دیده می‌شود، در همه اشعار این کتاب، آوای حزن و غم به گوش می‌رسد.

با مطالعه نامه سهراب، می‌شد حدس زد که تراوش‌های شعری او برای مدتی، رنگ اندوه خواهد داشت. اما سؤال این است که چرا دامان سهراب را این حزن بی‌مرز فرا گرفته است؟ پاسخ شاید بتواند این باشد: نخست، سهراب دارای روانی ناآرام و روحی به غایت حساس بود و دوم، به یاد آوریم که وضعیت کشور ما از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به دریایی متلاطم با امواجی سرکش همانند بود. از هر گوشه صدایی برمی‌خواست. دسته‌ها و احزاب گوناگون، تبلیغات سیاسی جور و واجور، درگیری‌ها و دستگیری‌ها، دروغ‌گویی‌ها و گراف‌بافی‌ها، روان‌های حساس را به شدت می‌آزرد و می‌شد حدس زد که شخصیت ویژه و حساس سهراب را هم، چنان اندوهی فرا گیرد.

شاعرانی بودند که اشعار غم‌آلود نوشتند، اما به واقع غم و دردی نداشتند و شعرشان با همه صنایع شعری، بیشتر به بازی شطرنج الفاظ و کلمات شباهت داشت؛ اما به جرأت می‌توانم گفت که سهراب در همه عمرش سخنی نگفت و شعری ننمود که دور از باور اندیشه‌اش باشد.

ماجرای سه شعر

سه شعر از نوشته‌های دوران نوجوانی‌ام که با سهراب همدم بودم، توجه او را جلب کرده بود و آنها را دوست می‌داشت. اتفاقاً هر سه شعر بوی دلنشینی و حزن (نوستالژی دوران جوانی) می‌داد. من خودم سعی کرده بودم آنها را به دست فراموشی بسپارم، اما اشتیاق سهراب مرا دوباره به یاد آنها انداخت؛ لذا در ادامه به آنها پرداخته‌ام.

ادامه دارد



## گفتگو با «بهمن پناهی»؛ خوشنویس، موسیقیدان و پژوهشگر هنر



بهمن پناهی

## خلق آثار خوشنویسی در پاریس

بقیه از صفحه اول

برای همین من از دوران کودکی آرزو داشتم هنرمند شوم و خوشبختانه این اتفاق هم افتاد. بنابراین، من این مسیر را به صورت جدی دنبال کردم و از حدود سیزده چهارده سالگی از همان شهرستان، یادگیری خوشنویسی را شروع کردم و کمی بعد که به تهران آمدم، در انجمن خوشنویسان هم تعلیم گرفتم. یادگیری موسیقی هم برایم به همان ترتیب بود و از همان سنین اقدام به یادگیری موسیقی کردم، اما وضعیت موسیقی در آن روزها - یعنی در دهه ۶۰ - چندان خوب نبود،

شرایط آموزش موسیقی فراهم نبود و آموزشگاه‌های موسیقی تعطیل بودند، ولی من در خانه با برادرانم و با دوستان موسیقی کار می‌کردم و آن را یادگرفتم. اول با ساز سنتور شروع کردم و بعد به سه‌تار روی آوردم و بعد از آن هم تنبک را کار کردم و نواختن هر سازی را که در محیط بود، یاد گرفتم. مثلاً یکی از برادرانم سنتور می‌زد، دیگری ویلون می‌نواخت و برادر دیگرم تنبک کار می‌کرد و این طور بود که من هم با همه این سازها مشغول بودم تا اینکه دیپلم گرفتم و سال ۶۴ در رشته طراحی صنعتی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران قبول شدم و به تهران آمدم.

### \* خودتان این رشته را انتخاب کردید؟

- بله، با انتخاب خودم بود. من رتبه تک‌رقمی در کنکور به دست آورده بودم و برای همین، امکان انتخاب همه رشته‌های هنر را از گرافیک تا نقاشی و تئاتر و... داشتم. اما آن روزها همه به من توصیه می‌کردند که طراحی صنعتی، بهترین رشته در هنر محسوب می‌شود و با توجه به اینکه من خودم شخصاً داشتم رشته‌های هنری را دنبال می‌کردم، تصمیم گرفتم در دانشگاه، طراحی صنعتی بخوانم.

### \* از انتخابتان در طول تحصیل همچنان راضی بودید؟

- بله، راضی بودم. چون از نظر انضباط ذهنی و استنباط‌های فنی و مهندسی، خیلی به من کمک کرد و برایم مفید بود. ضمن اینکه در حین تحصیل به کلاسهای دیگر رشته‌های دانشکده هنرهای زیبا مثل نقاشی و گرافیک هم می‌رفتم و بر این اساس به صورت حرفه‌ای کار طراحی صنعتی و دکوراسیون هم انجام دادم.

### \* بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتید؟

- نخیر، تا چند سالی بعد از فارغ‌التحصیلی در ایران بودم و در سال ۱۳۷۷ از ایران خارج شدم و اول به انگلیس و بعد به فرانسه رفتم.

### \* شما استاد انجمن خوشنویسان هم بودید.

در این باره هم کمی توضیح دهید.

- زمانی که من در دانشکده هنرهای زیبا پذیرفته شدم، همان سال هم در آزمون گزینش مدرس برای انجمن شرکت کردم و در این آزمون هم پذیرفته شدم، چون من خیلی قبل‌تر در سن ۱۷ سالگی از انجمن خوشنویسان درجه ممتازی‌ام را گرفته و از آن فارغ‌التحصیل شده بودم. برای همین وقتی برای تحصیل در دانشگاه به تهران آمدم، آمادگی تدریس در انجمن خوشنویسان را داشتم و همزمان با سال اول دوران دانشجویی‌ام، تدریس در انجمن را هم در سن ۱۸-۱۹ سالگی شروع کردم و تدریسم را تا زمانی که در ایران بودم در انجمن ادامه دادم.

### \* به قصد ادامه تحصیل به فرانسه مهاجرت کردید؟

- بله، اصلی‌ترین هدفم ادامه تحصیل بود. سال ۲۰۰۲ در «اکول بوزار» که مدرسه هنرهای تجسمی است، ثبت‌نام کردم. فرانسه دو سیستم برای تحصیلات

آموزش عالی دارد که یکی سیستم مدرسه‌ای و دیگری سیستم دانشگاهی است. بیشتر هنرمندان ایرانی هم که پیش از این برای ادامه تحصیل به فرانسه می‌رفتند، در «اکول»ها ثبت‌نام می‌کردند؛ چون در «اکول» آموزش‌ها به صورت عملی است. «اکول»ها در رشته‌های مختلف دانشجو می‌پذیرند و «اکول بوزار» که در فرانسه جزو قدیمی‌هاست فقط مختص رشته‌های هنرهای تجسمی مانند عکاسی، نقاشی، مجسمه و... است و در آن بیشتر پروژه‌های شخصی کار می‌شود.



### \* شما در چه شاخه‌ای کار می‌کردید؟

- من بیشتر در آنجا خوشنویسی کار می‌کردم که البته به مفهوم خوشنویسی سنتی نبود و در پروژه‌هایی کار می‌کردم که خط در آن به کار می‌رفت و از خط فارسی، لاتین و خط‌های دیگر استفاده می‌کردم. درس‌های مختلفی در رشته انتخابی‌ام بود و من می‌توانستم همه درس‌هایم را به نوعی با خط ارتباط بدهم، چون سیستم آموزشی آنجا با ایران فرق می‌کند و اختیار دانشجو در آنجا خیلی زیاد است و دانشجویان می‌توانند در پروژه‌ها دخیل بشوند و درباره آن پیشنهاد بدهند.

به این ترتیب که در هر درسی، استاد موضوعی می‌دهد و دانشجو براساس آن موضوع، مدیوم موردنظرش را برای ارائه کار انتخاب می‌کند؛ مثلاً می‌تواند مجسمه یا دیوار یا تلفیقی از چند مدیوم را انتخاب کند. یکی از ویژگی‌های جالب «بوزار» تنوع آن است و هر استادی تخصص شخصی خود را در موضوعاتی که می‌دهد پیاده می‌کند. مثلاً استادی که در هنر چیدمان تبحر بیشتری دارد، در این زمینه به دانشجویان موضوع می‌دهد و دلدو دانشجویان بر این اساس انتخاب می‌کنند که چه پروژه‌ای را دنبال کنند و تا پایان ترم می‌توانند به این پروژه بپردازند.

### \* مدت تحصیل در «اکول» چند سال است؟

- اکول بوزار دوره‌ای پنج ساله است و بیشتر از پنج سال نمی‌توانید ادامه دهید. مگر اینکه به «اکول»های خاصی بروید که تا دوره دکتری می‌توان آنها را ادامه داد. من چون در ایران مدرک لیسانس را گرفته بودم، در آنجا از سال آخر «اکول»، شروع کردم. من بعد از «اکول» برای ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس دانشگاه ثبت‌نام کردم و در آنجا هم رشته هنرهای تجسمی را ادامه دادم، در مقطع فوق لیسانس دانشگاه‌های هنر فرانسه رشته‌هایی مثل تاریخ هنر، مدیا و... وجود دارد. در آنجا هم مثل ایران در این مقطع درس‌های نظری تدریس می‌شود و یک پروژه عملی را هم دانشجو باید به انتخاب خود انجام دهد.

طی این مقطع تحصیلی، دانشجو کاملاً مسیر مورد دلخواه خود را پیدا می‌کند و دست هنرجو باز است که پروژه‌ها را با مباحث نظری درس داده شده تطبیق دهد و پشتوانه‌های علمی را که به آن‌ها دست

یافته در تخصص و رشته شخصی مورد علاقه‌اش وارد می‌کند. من در دوره فوق لیسانس بیشتر موضوعاتی را که انتخاب می‌کردم درباره بحث خط و خوشنویسی و رابطه موسیقی و خوشنویسی (موزیکالیگرافی - Musicaligraphy) بود. موضوعات مطرح شده کلی بود؛ مثلاً یکی از پروژه‌ها «بازیافت در هنرهای تجسمی» بود که با یکی از موضوعات درسی‌مان که چگونگی استفاده از بازیافت در تاریخ هنر بود مطابقت داشت و من در این پروژه با استفاده از تلفیق حروف به کار رفته در روزنامه‌هایی که دور ریخته می‌شد، کار کردم. پروژه‌هایی از این دست فضا را برای هنرجو و دانشجو خیلی باز می‌گذارد تا خلاقیت خود را در کارهایشان نشان دهند.

### \* شما تا چه مقطعی، تحصیلاتان را ادامه دادید؟

- فوق لیسانس را در رشته هنرهای تجسمی که به آن دیپارتمان تجسمی گفته می‌شود از دانشگاه «سوربن» پاریس گرفتم. بعد برای مقطع دکتری ثبت‌نام کردم و موضوعی را برای پژوهش درباره تحلیل موسیقایی خوشنویسی و رابطه بین موسیقی و خوشنویسی انتخاب کردم و عنوان ابداعی خودم یعنی «موزیکالیگرافی» را روی این تحلیل گذاشتم و چون این پژوهش، تلفیقی میان دو هنر بود، به ناچار باید دو دیپارتمان تجسمی و موسیقی را به هم وصل می‌کردم. در حال حاضر تر من از نظر عملی و تحقیقاتی تمام شده ولی هنوز جلسه دفاعیه آن برگزار نشده است و باید در دو دانشکده مختلف تجسمی و موسیقی از آن دفاع کنم.



### \* الان در فرانسه چکار می‌کنید؟

- در دانشگاه تدریس می‌کنم و همچنین در یکی دو تا از مراکز فرهنگی که مربوط به شهرداری پاریس می‌شود و مثل همین فرهنگسراهای خودمان اما جاذبه‌تر است، آموزش می‌دهم. شهرداری آنجا در کنار مسائل مربوط به ترافیک و زباله و...، فعالیت‌های فرهنگی - هنری را هم جزو وظایف اصلی‌اش می‌داند و معتقد است روح فرهنگ و هنر باید بر شهر جاری شود. در آنجا خیلی جدی به این مسأله نگاه می‌شود و این طور نیست که فقط بخواهند مردم به صورت فانتزی سرگرم آن شوند، البته گاهی از بُعد سرگرمی هم به آن نگاه می‌شود. اما چون هنر ابزار فرهنگ است و فرهنگ روح یک جامعه را تشکیل می‌دهد، برای برنامه‌ریزی می‌کنند و وقت می‌گذارند.

در این فرهنگسراها مردم ضمن آموزش دیدن، زندگی اجتماعی را نیز با هم در گروه‌ها و کلاسهای مختلف تجربه می‌کنند. مثلاً مردم پس از فراغت از فعالیت‌های فرهنگی هنری به فرهنگسراها، می‌روند و از نزدیک با مرغ و خروس‌هایی که در گوشه‌ای از فرهنگسرا جمع کرده‌اند آشنا می‌شوند یا باغچه‌هایی را درست کرده‌اند که مردم بعد از کلاس‌ها و

یادگیری‌هایشان می‌روند و در آنجا چیزی می‌کارند. \* در کنار تدریس، کار هنری هم انجام می‌دهید؟

- بله، کار اصلی من تولید آثار خوشنویسی است، سفارش می‌گیرم و نمایشگاه برگزار می‌کنم. \* آفرینش آثارتان را با خط فارسی انجام می‌دهید؟ و آیا در دانشگاه هم با همین خط فارسی تدریس می‌کنید؟

- در دانشگاه‌های فرانسه، استادها باید در موضوع درسی‌شان ابتکار داشته باشند؛ چون خوشنویسی را نمی‌توان به همین صورت در دانشگاه درس داد و بر همین اساس، من تجربه‌ای به اسم «خوشنویسی تحقیقی» را به دست آوردم. چون دانشجوی خارجی در یک ترم که نمی‌تواند خوشنویسی یاد بگیرد. اما درس «خوشنویسی تحقیقی» آنها را با دنیای خوشنویسی آشنا می‌کند، به طوری که به غیر از اینکه کار عملی می‌کنند و قلم دستشان می‌گیرند و از مرکب استفاده می‌کنند، از لحاظ نظری هم وارد دنیای خوشنویسی می‌شوند. آنها ابتدا موضوع دلخواه خود را انتخاب می‌کنند که می‌تواند مربوط به هر هنر خوشنویسی؛ اعم از چینی، کره‌ای، آفریقایی، لاتین، یهودی و... باشند و راجع به آن تحقیق کوچکی می‌کنند که همین باعث مطالعه آنها درباره این که اصلاً خوشنویسی چیست می‌شود و اینکه چرا در فرهنگ‌های مختلف به وجود آمده و چون سوزها مختلف است، یک نوع تبادل فرهنگی از نقاط مختلف دنیا برایشان به وجود می‌آید.

### \* آیا بحث فرم هم در درس‌هایتان مطرح می‌شود؟

- الان خوشنویسی از نظر ذهنی در دنیا، هنر زنده‌ای نیست. پس نخست می‌خواهیم با دنیای خوشنویسی، چه از نظر زیبایی‌شناسی، چه تاریخی و چه فرهنگی مواجه شوند چون تکنیک در کار را از راههای مختلف می‌توان کسب کرد. الان مسئولان دانشگاه آنجا که یک دانشگاه بین‌المللی است، احساس کرده‌اند این روش می‌تواند ذهن دانشجویان را از نظر فرهنگی باز کند و دانشجویایی که از نقاط مختلف دنیا آنجا جمع شده اند می‌توانند با این روش ذهن‌هایشان را به هم نزدیک‌تر و ارتباط فرهنگی‌شان را بیشتر کرد.

### \* با توجه به علاقه‌مندی شما به دو هنر موسیقی و خوشنویسی و انتخاب تر دکتری خود درباره رابطه بین موسیقی و خوشنویسی، چه پیوندی میان این دو هنر می‌بینید؟

- چون من همانطور که گفتم از دوره نوجوانی در هر دو رشته موسیقی و تجسمی کار می‌کردم، برای همین ارتباط این دو را همیشه در ذهن داشتم، اما از نظر تحلیلی هیچگاه به آن نپرداخته بودم. بعد هم که به تهران آمدم، موسیقی را به صورت جدی‌تر و با اساتید بنامی مانند استاد هوشنگ ظریف و استاد لطفی کار کردم تا ساختار ردیف را بیاموزم.

ابتدا با یکی دو نفر از اساتید به صورت کوتاه‌مدت کار کردم و بعد به صورت جدی‌تر و طولانی‌مدت با استاد ظریف کار کردم. بعد که استاد لطفی برای اولین بار از خارج به ایران برگشتند، همان سال پیش ایشان رفتم و با ایشان کار کردم و بعد از آن قضیه موسیقی برایم جدی‌تر و دقیق‌تر شد. من در محضر این اساتید تار و سه‌تار کار می‌کردم.

### \* آیا الان هم همچنان به نواختن تار و سه‌تار می‌پردازید؟

- بله، الان ساز تخصصی‌ام تار و سه‌تار است. از همان ایام شانزده سالگی که توانستم ساز به دست بگیرم به سه‌تار شروع کردم. ادامه دارد





## میوه باران رسید



مجموعه رباعی‌ها و دوبیتی‌های «میوه باران» که حاصل سروده‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ محمدرضا سهرابی‌نژاد شاعر انقلابی و آیینی سرای روزگار ماست، در بهار امسال از سوی انتشارات مؤسسه اطلاعات منتشر شد.

او در این مجموعه نیز همچون آثار گذشته‌اش، از ترکیبات جدید و مضامین تازه و بکری استفاده کرده و بر حوزه استعداد رباعی‌سرایی سنتی-نوین امروز، وسعتی قابل تأمل افزوده است. در این مجال اندک، چند رباعی از این مجموعه را با هم می‌خوانیم:

در اوج خزان، عطر ربیع آوردم



گل‌های توسل بدیع آوردم  
در نیمه‌شب ناله‌کنان پیش خدا  
پیغمبر اشک را شفیع آوردم

گل می‌کند آن دلی که پژمرده‌ توست  
بازد همه چیزش آنکه دلبرده‌ توست  
از زین به زمین، میان گودال افتاد  
ای عشق، حسین هم زمین‌خورده‌ توست

خود را به بلور آسمانی آراست  
افراشت گهی قامت خود، گاهی کاست  
وقتی به چمن قدم نهاده‌ ای گل  
فواره به احترامت از جا برخاست

دریا که شود ز باد و باران دلتنگ  
با ساحل افتاده در آید در جنگ  
سر بر سر صخره، موج موجی کوید  
غوغا شود از کل‌کل دریا با سنگ

پاییز دل مرا به تردید انداخت  
از شاخه‌ گل، ترانه را چید، انداخت  
با رقص لطیف گیسویش، دل می‌برد  
برف آمد و روسری سر بید انداخت!

پرستو آمد و بال شغف زد  
قناری نغمه شد، پروانه دف زد  
به رقص آمد به تالار چمن، گل  
نسیم از شوق او برخاست کف زد!

یکی با ناز و نعمت در تباهی  
یکی در تنگدستی، روسیاهی  
بنازم عدل دریا را که بخشد  
تو را ماهی و ما را گوشماهی!

## تأملاتی چندبر غزلی از «عبدالمهدی نوری»

## غزلی یک‌دست از نظر ساختار و اثر گانی



«سارای» دارد - شاعر را قادر ساخته تا تقریباً با همین دو نیم مصرع، وضعیت معشوق را به خوبی تصویر کند.

دوباره مثل عروسک‌ها به حال و روز بد دنیا بخند و سیطره غم را به خاک و خون بکشان با من نوعی ضعف در تصویرسازی مصرع دوم این بیت وجود دارد که البته معنی را می‌رساند، ولی به نسبت ابیات قوی تری که در این شعر خوانده شده، توقع مخاطب بر مصرعی قوی‌تر است. ضعف در معنای به خاک و خون بکشان با من است؛ که اندکی تأخیر غیرمجاز در درک معنای شعر به همراه دارد. دوباره مثل عروسک‌ها... استفاده درست و دقیق از واژه عروسک که هم می‌توان به وجه شبه‌زیبایی و هم داشتن لبخند مصنوعی و بی‌اراده آن اشاره کرد.

ورای هرچه که مذهب‌ها نوشته‌اند بر این لب‌ها مرا به یاد همان شب‌ها بغل بگیر و بمان با من در بیت چهارم، موضوع مذهب را به چالش می‌کشد. شاعر با پشت هم آوردن دو واژه مذهب و لب، قصد داشته بر طوطی وار و قلبی نبودن واژه مذهب به صورت خیلی ضمنی اشاره کند و از همین مصرع، عشقی خارج از چهارچوب شرع و مذهب استنباط می‌شود. به شاعر پیشنهاد می‌کنیم از کلمه «نهاده» به جای «نوشته» استفاده کند.

«مرا به یاد همان...» آوردن کلمه «همان» برای مورد شناخته شده مخاطب استفاده می‌شود که نیاز به پاره‌ای آشنایی‌زدایی است، ولی به خاطر تنگنای قالب رعایت نشده است. البته متوجهیم که شاعر می‌خواهد به سابقه رابطه اشاره کند، اما این اشاره دیرپای و غیر قابل اعتناست.

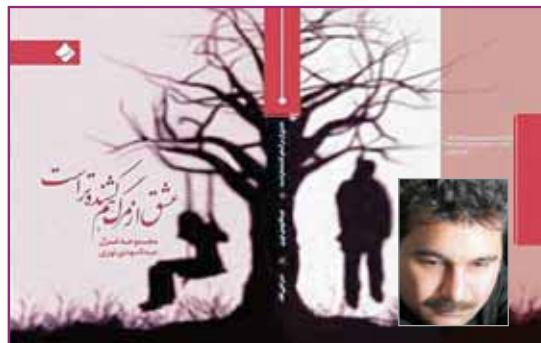
بمان که پیر فلک دارد هزار نقشه به سر شاید که شام آخرمان باشد شراب با تو و نان با من در این بیت، هر پاره از مصرع، کلمه‌ای متناسب را در خود جای داده: «پیر فلک»، «نقشه»، «شام آخر»، «شراب» و «نان»، همگی یادآور شام آخر حضرت عیسی و حتی مراسم عشاء ربانی است که بسیار عالی جریان عاشقانه را به شام آخر عیسی تشبیه کرده است. در داستان عیسی، نان نماد بدن است و شراب نماد روح و شاعر بسیار زیبا اشاره به روح و اصل بودن و اهمیت معشوق داشته است.

در این زمانه ویرانی تو هم جهانی و جانی و بهتر از همه می‌دانی چه کرده است جهان با من در بیت آخر، عشق مذکور در بیت قبل را به کمال رسانده و خارج از زبان تشبیه و استعاره، گفته است که تو هم جهانی و هم جانی. در پاره دوم مصرع آخر، ایهام واژه «جهان» که هم اشاره به معشوق و هم اشاره به دنیا و روزگار دارد؛ و همچنین جناس جان و جهان، باعث لذت بیشتر مخاطب می‌شود.

این نکته را باید یادآور شد که هرچند قدرت ابیات، مبتنی بر قدرت قافیه است، ولیکن قافیه اندیشی کمی به فضا و همذات‌پنداری مخاطب خلل وارد می‌کند. با هم یکبار این غزل را به صورت بیت بیت و موردی بخوانیم:

تو آن هنوزترین داغی، پس از گذشت زمان با من  
که شعله شعله تو را خواندند، تمام سوختگان با من  
در مصرع آغازین که مهمترین مصرع غزل است، معشوق به داغ تازه‌ای تشبیه شده و احتمالاً زمان بسیاری از آن گذشته است. با وجه شبه تازگی که البته «تو» مجاز است و منظور «عشق تو» است. در این بیت می‌توان به واژه خودساخته «هنوزترین» اشاره کرد که خوش در جای خود نشسته است.

ترکیب سوختگان «شعله شعله خواندن کسی یا چیزی» نیز با قافیه دوم «سوختگان» تناسب دارد و با نظر به اینکه مقیاس خواندن سطر سطر، واژه واژه یا ... است؛ مقیاس شعله شعله برای خواندن معشوق، آن هم از سوی «سوختگان» بسیار عالی آورده شده است. ایهام کلمه خواندن نیز که هم به معنی خواندن و هم به معنی دعوت کردن آمده، درخور توجه است.



اما با توجه به تازگی و تا هنوز ادامه داشتن این داغ، پیشنهاد می‌شود به جای فعل «خواندند» که مربوط به گذشته تمام شده است، از فعل «خوانند» که از گذشته به حال جاری است، استفاده شود.

غریب در قفس افتاده نسیم در نفس افتاده  
عروس در ارس افتاده نفس بگیر و بخوان با من  
«نفس بگیر»، کنایه از زنده شدن و همچنان حالت حبس نفس در سینه برای خواندن گام بلندی از شعر مد نظر است. واج آرایایی حرف «س»، چه از نظر بصری و چه از نظر آوایی، به زیبایی بیت کمک کرده است.

تنها ترکیب «غریب در قفس افتاده» که یک نیم مصرع را به خود اختصاص داده، شخصی خارج از فرم غزل است. ولی «نسیم از نفس افتاده» به عنوان یک پیش تصویر برای «عروس در ارس افتاده» که اشاره به افسانه تراژیک

تو آن هنوزترین داغی، پس از گذشت زمان با من  
که شعله شعله تو را خواندند، تمام سوختگان با من  
غریب در قفس افتاده نسیم در نفس افتاده  
عروس در ارس افتاده نفس بگیر و بخوان با من  
دوباره مثل عروسک‌ها به حال و روز بد دنیا بخند و سیطره غم را به خاک و خون بکشان با من  
ورای هرچه که مذهب‌ها نوشته‌اند بر این لب‌ها مرا به یاد همان شب‌ها بغل بگیر و بمان با من  
بمان که پیر فلک دارد هزار نقشه به سر شاید  
که شام آخرمان باشد شراب با تو و نان با من  
در این زمانه ویرانی تو هم جهانی و جانی  
و بهتر از همه می‌دانی چه کرده است جهان با من

این غزل در وزن دوری «مفاعیلن فاعلاتن فح» و در ۶ بیت سروده شده که وزن بسیار مشکلی است و حاوی موسیقی بیرونی و گاهی درونی است. از نظر وزن عروضی یادآور غزل معروف «پلنگ و ماه» مرحوم منوچهر است که در این وزن سروده شده بود. جز بیت اول، بقیه ابیات از قافیه درونی، و برخی از ابیات از جناس و واج آرای برخوردارند که این تکنیک، بیش از پیش به آهنگین بودن شعر کمک کرده و نمونه بارز آن را در بیت دوم می‌بینیم.

در مجموع، هارمونی واژگان و داشتن موسیقی داخلی و کناری با وزنی بسیار دشوار، از مختصات این غزل است. استفاده غیر افراطی از عروض در آهنگسازی شعر، در کنار فرار و فرودهای ملموس موسیقی، خواننده را با غزلی یک‌دست از نظر ساختار و آژگانی روبه رو کرده است.

با این وجود، ضعف عمده این شعر، تکیه بیشتر بر موسیقی و غفلت از توسعه تصویرپردازی است که با توجه به ساده نویسی و کم بودن تصاویر، بیشتر با شعری به سبک خراسانی روبه رو هستیم تا شعری هندی یا عراقی. این در حالی است که نوعی رنج عاشقانه و عاطفه مرسوم در سبک‌های جدیدتر، در کل شعر موج می‌زند. حتی قافیه و ردیف به طور رندانه‌ای «آن با من» است. شعر دارای مؤلفه‌های نوین تری هم هست؛ مانند اینکه به وضوح معشوق زمینی است و یا برخی از المان‌ها مانند لبخند مصنوعی عروسک، شام آخر یا ترکیب «به خاک و خون کشیدن» در اثر دیده می‌شود. وحدت عمودی نیز که یکی از المان‌های مهم در روایت غزل فردگرای امروز است، اندکی کم‌رنگ است.

با همه موفقیت‌های شاعر در چیدمان غزل،

## بی‌پناهی‌ها

محسن وطنی



کنار موج‌ها، شور صدف‌ها، گوش ماهی‌ها  
چه می‌خواهم دگر از قیل و قال پادشاهی‌ها  
به دریا حکم می‌رانم که با پایوس امواجش  
بشوی خاک را پاک از پلیدی‌ها سیاهی‌ها  
به تورم می‌دهم فرمان که آغوشی شود از مهر  
برایم سفره می‌چینند رنگارنگ ماهی‌ها  
به دریا گفته ام قایق سواران را نگه دارد  
به توفان داده ام شمشیر‌ها از دادخواهی‌ها  
به ساحل گفته ام همواره تخت موجه‌ها باشد  
که بی‌حاصل نریزد آب در جوی تباهی‌ها  
مرا در قعر اقیانوس هایم قصر بشکوهی است  
نگهبان در قصر مند این کوسه ماهی‌ها  
به چشمم ابرها چون تلخک دربار می‌آیند  
به روی خیمه شب بسته شکله‌ها فکاهی‌ها  
خدایا، مردمانم؛ اختران آسمانم را  
رها کن از مدار بی‌خودی‌ها بی‌پناهی‌ها

## کارگرا

رسول پیر

انگشت شمارند کارگرهایی  
که خوب کار، مطالعه و تفریح می‌کنند  
پیچ‌های بسیاری ساخته می‌شوند  
هر روز زیر دستگاه پرس  
انگشت‌ها  
انگشت‌های زیادی را دیده‌ام که پیچ شدند  
کارگرانی که ده  
نه  
هشت هفت انگشت ...  
و بعضی کارگرها هیچ گاه به ماه اشاره نمی‌کنند  
پدر  
زیر دستگاه فشار  
ما  
زیر فشار خون  
کارگران دستگاه پرس پیانیست‌های خوبی نمی‌شوند  
و طوری زندگی مطالعه و تفریح می‌کنند  
که اثر انگشت شان روی هیچ چیز نمی‌ماند







رضایق

از فرمایشات ما

## علل لرزش زله اعلام شد!!

ما ایرانی ها خیلی لطیفه دوست هستیم. و این فقط مربوط به جنس لطیف نیست. همه مان اینطوری هستیم. طوری که وقتی به هم می‌رسیم، اول سلام می‌کنیم، بعدش می‌پرسیم که جوک جدید چی داری؟!... و آنگاه که سر شوخی باز شد، راجع به تحولات و اتفاقات جامعه هم صحبت می‌کنیم؛ چون به هر حال به سرنوشتمان مربوط می‌شود و کاریش نمی‌شود کرد. مگر در مواردی که شورای عالی امنیت ملی ممنوع اعلام کرده‌است.

این لطیفه گویی یک روحیه بسیار خوبی است که باعث انبساط خاطر افراد و ادخال سرور در همه می‌شود و ثواب هم دارد. اگر خوب نبود که یک آدم با فرهنگ و ادبی همچون حضرت حافظ با صدایی بلند و نافذ نمی‌فرمود: «شادی همه لطیفه گویان صلوات».

ناشاد از دنیا نری، دوم صلوات رو بلندتر بفرست! (این را یکی از پامنبری های همیشه در صحنه و از مخاطبان عرایض راهگشای ما که شدیداً ذوق زده و جوگیر شده بود، بر زبان آورد که البته با استقبال عمومی هم مواجه شد. طوری که خودش نیز خوشش آمد و گفت: به این میگن صلوات!)

لطیفه گفتن، یکی از نشانه های آدمهای شاد و شادکننده است. خصوصاً وقتی که گوینده نیز آن را خیلی لطیف تعریف کند. طوری که حیثیت تاریخی لطیفه زیر سؤال نرود. استفاده از لطیفه، نه تنها باعث خوشحالی و سرزندگی افراد و اطرافیان می‌شود، که گاهی اگر در راستای یک مطلب و منظوری هم گفته شود، باعث جانداختن بهتر و بیشتر آن مطلب و منظور می‌شود.

فلذاست که حتی سخنرانان فرهنگی، هنری، مذهبی، سیاسی، و... غیره نیز بعضاً لایه لای صحبت های جدیشان از طنز و لطیفه برای تقرب اذهان عمومی و لطیف کردن فضا استفاده بهینه می‌کنند که این خود از شگردهای یک سخنرانی خوب و مؤثر و قابل ضبط کردن با موبایل و پخش کردن با بلوتوث است.

**شاهد مثال:** خدا را شکر که حافظه ما مثل بعضی ها و مثل ماهی ها نیست. مثلاً الآن یاد می‌آید که سالها پیش، رئیس جمهور مدعی داشتن هاله در دولت بهار خزان زده، در مراسم تودیع و معارفه وزیر کشورش، به هنگام سخن گفتن، به ذکر خاطره ای لطیف پرداخت که به تعبیر خبرگزاری فارس آن زمان که سینه چاکش بود (اندازه دقیق چاک را می‌توانید در گوگل جستجو کنید!) شادی و فرح حضار را فراهم آورد و باعث ادخال سرور شد. ایشان تعریف کرد که: «یک روز مهمان داشتیم، بعد از غذا زله آوردند. یکی گفت: این زله خیلی مقوی است. و آن مهمان گفت: اگر مقوی است، چرا می‌لرزد؟!»

**قرائت قدیمی لطیفه:** برای یک مرضی مقداری زله آوردند، گفتند بگیر بخور کمی قوت بگیری، بتوانی سرپا بایستی!... طرف پقی ز زله خنده و گفت: این زله خودش را نمی‌تواند سرپا نگهدارد، مرا می‌تواند؟!!

**علل لرزش زله:** ماهیت هر لطیفه ای چنان است که هرچه عمیق تر و فلسفی تر و چند لایه تر باشد، بیشتر باعث خنده افراد می‌شود؛ چون همزمان، قوه تفکر آنها را هم همراه با تبسم فعال می‌کند. مثلاً در همین لطیفه ای که هم ما عرض کردیم، هم رئیس جمهور سابق؛ خود لرزش ماهوی زله جای تفکر بیشتر دارد و هرچه بیشتر به آن گیر بدهیم، بیشتر حالش را می‌بریم. و این خوراک ماست. و حالا ملاحظه بفرمایید علت لرزش مستمر زله را از دید ما:

**۱- ترس از خورده شدن:** چون زله راحت الحلقوم و سهل الوصول و سهل الدخول در معده است، لهذا از نظر روانشناسی مثل چی می‌ترسد و به خودش می‌لرزد که مبادا سریع السیر خورده شود. و گرنه چرا کله پاچه نمی‌لرزد؟ چون می‌داند که نسل جوان خیلی طرفدارش نیست و کاریش ندارد.

**۲- عبور گسل از زیر زله:** برخی احتمالات ظاهراً غیر منطقی است، اما چون احتمال است و از بیخ غیر منطقی است، به هر حال باید در نظرش گرفت. ضرری ندارد. قانون احتمالات هم همین طوری شکل گرفت. به گمان ما شاید که از زیر پا زله هم رگه های باریک و ظریفی عبور کرده باشد که وصل به گسل های زیر (یا گسل های جیب) خودمان باشد و با چشم غیر مسلح دیده نشود. مگر از چین ابزاری وارد کنیم.

**۳- خریزه خوردگی:** ممکن است که لرزش ماهوی زله به ابتدای پیدایش زمین و دوران پارک ژوراسیک برگردد. زمانی که جد بزرگ زله (زله نخستین) به اشتباه مرتکب خوردن خریزه شد. با آن که می‌دانست هر کس که خریزه می‌خورد، باید پای لرز آن هم بنشیند. از اینروست که لرزش مذکور، نسل به نسل به زله های دیگر منتقل شده است الی یومنا هذا که باز هم هر کس خریزه بخورد، باید پای لرز آن بنشیند.

**۴- ترس از سایه:** از قدیم معروف است که یارو از سایه اش هم می‌ترسد. ای بسا که اگر تحقیق شود، شاید علت ترس زله هم معلوم شود که از سایه اش می‌ترسد. وقتی که ارزش غذایی بالایی نداشته باشد و کشکی و کتره ای شکل گرفته و قوام یافته باشد؛ حق دارد که حتی از سایه اش هم بترسد و بلرزد. باز هم از قدیم گفته اند: آئی غذای لرزون... بلرزون!...

**۵- دعوت به ورزش:** خیلی هم نباید بدبین بود. شاید که ذات زله طوری آفریده شده که غیر مستقیم و با زبانی نرم و غیر برانداز، انسان تنبل و خمود را دعوت به نرمش و ورزش کند. غرب همین حرکات لرزشی را در زله دیده، اما بنا به ماهیت غیر ارزشی خود، آن را حمل بر حرکات موزون ریتمیک کرده است. در صورتی که در کف هریک اگر شمعی بدی، به قول مولانای زله ندیده، اختلاف از گفتشان بیرون شدی و اینجور حرفها که لرزه بر افکار آدم می‌اندازد. حتی ما!...



مکرم گوربزی (محبوب)

## انشای یک دانش آموز تورقوز آبادی

# بزرگترین آرزوی شما چیست؟

ایکبیری، شیرتوبخور! حیف از این دختر که هوش و حواس درست و حسابی ندارد؛ چون هر چه بهش می‌گوییم: «من شیرم را خورده‌ام، می‌توانی بروی از مش‌یاور بقال بپرسی که هر روز ازش شیر می‌گیرم!» اما باز پشت چشم نازک می‌کند و راهش را می‌کشد و می‌رود و دل ما را مجاله کرده؛ جویری که هر چه مادر و مادر بزرگمان آب‌داغ نبات و عرق نعناع به ناف‌مان می‌بندند، افاقه نمی‌کند و مادرمان دندان‌هایش را روی

و اما آرزوی ما. آرزوی ما تا پیش از مشهور شدن قالی‌شویی دهات مان، این بود که نامرئی بشویم تا بتوانیم هر وقت که عشقمان کشید، برویم باغ مشتی‌حسن و هر چه که دل‌مان خواست، از میوه‌های رسیده و نرسیده باغ بخوریم. پدرمان با دست‌های سنگینش دوبامبی می‌زد تو کله‌مان و با غیظ می‌گفت: «ای ناامید شکم‌پرست!» مادرمان هم با جارو می‌افند دنبلمان و جیغ می‌زد: «کم میوه و هله‌هوله می‌ریزی توی آن شکم وامانده‌ت؟» و تا با دسته جارو



هم فشار می‌دهد و می‌گوید: «ذلیل‌شده! ببینم چی خورده‌ای که دل‌پیچ‌هات خوب نمیشه؟!»

در پایان آرزو می‌کنیم که همچنان نخست‌وزیر اسرائیل، همت‌کند و روستاهای ناشناس مان را به ما و به جهانیان معرفی و شناسایی نماید؛ بلکه چهار تا ایرانگرد داخلی و جهانگرد خارجی، پایشان به این جاها برسد و دیگر روستاها و قالی‌شویی‌ها و طویله‌ها و سایر زیرساخت‌های‌شان هم مانند قالی‌شویی روستای تورقوزآباد ما مشهور گردند و سر زبان‌ها بیفتند، بلکه رونق بگیرند.

ما از این انشاء نتیجه می‌گیریم که داشتن آرزو چیز خوبی می‌باشد و گردشگران داخلی و خارجی، گوش‌به‌زنگ کشفیات جدید نخست‌وزیر کوشا و پرتلاش اسرائیل باشند. این بود انشای ما!

از خجالت‌مان در نمی‌آمد و درست و حسابی کبودمان نمی‌کرد، کوتاه نمی‌آمد. ولی از وقتی که روستای گنمان و ناشناس ما با زحمات و سگ‌دزدن‌های شبانه‌روزی نخست‌وزیر اسرائیل، یک شبه معروف شده و سر زبان‌ها افتاده، سر عقل آمده‌ایم و تغییر عقیده داده‌ایم و الآن آرزویی نداریم به جز این که با جمع کردن پول‌های جیبی‌مان، بتوانیم در آینده نزدیک، قالی‌شویی و زمین‌های دور و اطرافش را بخریم و بعد خیلی زود، زمین‌ها را به چند برابر قیمت بفروشیم و یک ماشین شاسی بلند خفن بگذاریم زیر پایمان و با آن برویم خواستگاری مهنازخانم، نوه همین مشتی‌حسن که فقط چهارسال از ما بزرگتر است. این مهنازخانم خیلی بالاد است. هیچ‌وقت به ما نمی‌گوید: «خودتی!» در عوض لب و لوجه قرمزش را کژ و مژ می‌کند و از گوشه پر چادر گلباقالی‌اش می‌گوید: «برو

بر همگان واضح و مبهرن است که هر کسی آرزویی دارد. مثلاً پدر بزرگ ما همیشه آرزو می‌کند روزی برسد که بتواند مشتی‌حسن را از خر شیطان پایین بیاورد و یک‌جویری باغ او را به باغ خودش اضافه کند. پدر بزرگ ما آدم خیرخواهی می‌باشد، اما مشتی‌حسن هی لج می‌کند و هی جواب سربالا به پدر بزرگ بیچاره ما می‌دهد. پدر بزرگ خیرخواه ما هر چه می‌گوید: «ببین مشتی! قربانت بروم! دنیا ارزش این چیزها را ندارد. مال و منال دنیا کم که به آدم وفا نمی‌کند. بیا این باغت را.....»

اما مشتی‌حسن، بیل اسبارش را از این شانه به آن شانه‌اش می‌گذارد و مثل بروسلی در فیلم «اژدها وارد می‌شود»، جفت‌پا می‌پرد وسط حرف او و می‌گوید: «حاج‌فیض‌الله! خودتی جانم!»

نمی‌دانیم چرا پدر بزرگ خیرخواه ما تا این را می‌شنود، از کوره در می‌رود و صدایش را بلند می‌کند و داد می‌زند: «ای بی‌حیا! به من فحش می‌دهی؟ من هیچی نباشد، ده سال از تو بزرگ‌ترم.»

در حالی که همه می‌دانی پدر بزرگ، کسی نیست جز خودش. پس چرا تا مشتی‌حسن بیچاره به پدر بزرگ ما می‌گوید: «خودتی» که او مثل اسفند روی آتش، شروع می‌کند به ورجه و ورجه کردن و ناسزا گفتن؟!!

مادر بزرگ هم آرزو می‌کنده که: «کاش یک‌دست دندان زله‌ای استفاده‌نشده دست اول گیرم بیاید نه!»

پدرمان این آرزو را در سر می‌پروراند که خانه و زمین‌مان را بفروشند و به قول خودش سرمایه‌ای به‌هم بزند برود شهر، دلار و سکه و پوشک بچه و شیر خشک و رب‌گوجه خرید و فروش کند تا پولش از پارو و بیل مشتی‌حسن برود بالا.

مادرمان هم روزی نیست که آرزویش را بر زبان بیاورد، اما نه جلو پدرمان. آرزوی بزرگ او این است که کاش پدرمان کچل نبود، شکم نداشت، دندان‌هایش سیاه نبود، و به جای نگهبان قالی‌شویی تورقوزآباد، صاحب آن بود. آنوقت دست‌هایش را از مچ تا آرنج پر از انگوری طلا می‌کرد تا چشم زنها بترکد.

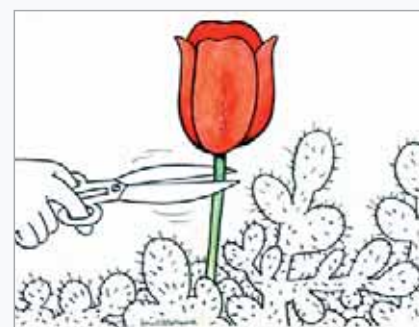
## مال تو، مال من!

حسین شاد مهر |

همین جا تو گردشگری کن، بمان سفرها به هر ناکجا مال من  
بین هر دوشان مال یک شرکت است  
ژیان مال تو، زانتیا مال من  
برایت همین سیکل هم کافی است  
پز مدرک دکترا مال من  
\*\*\*  
ژن خوب دارم از آنجا که من  
هر آنچه که خوبی، لذا مال من!

جنوب پر از خاک ده مال تو  
شمال خوش آب و هوا مال من  
زن بیوه مش رجب مال تو  
ولی دختر کدخدا مال من  
بز پیر نر، پنج تا مال تو  
یکی گاو گوساله‌زا مال من  
الاغ دو پا لنگ تقدیم تو  
همین اسب رقصنده پا مال من

تمام برو و بیا مال من  
بریز و بباش و صفا مال من  
بیا عادلانه که قسمت کنیم  
یکی مال تو، شصت تا مال من  
امور طویله همه مال تو  
مدیریت روستا مال من



احمد عبداللهی نیا



تبسم و تفکر

\* متولد ۱۳۲۴ - تهران  
\* شروع کار کاریکاتور به صورت حرفه ای از سال ۱۳۴۷ و از هفته‌نامه توفیق آغاز  
\* پس از توقیف توفیق، همکاری با اکثر نشریات؛ از جمله: نامه حاجی‌بابا، بهلول، فکاهیون، خورجین، کارتون، زن روز، کیهان کاریکاتور، گزارش هفته، کیهان ورزشی و گل آقا  
\* نخستین کاریکاتوریست ورزشی در ایران از سال ۱۳۵۰ تا به امروز



